

٢

کتاب هدایة الشیعة

۷

بخط العالم الزاهد المشتهر بالکرامات الحاج آقا محمد ابن

محمد ابراهیم الکلباسی شرح حاله

و کراماته مذکورة فی کتاب روضات الجنات

کتاب هدایة الشیعة
بخط العالم الزاهد المشتهر بالکرامات الحاج آقا محمد ابن
محمد ابراهیم الکلباسی شرح حاله
و کراماته مذکورة فی کتاب روضات الجنات



باب دوم در عیوبات و معاصی جوارح است که کلام در این باب تمام میشود در ضمن یک فصل

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

است اول کسل شدن و تهاون نمودن در طاعات و عبادات است چرا که شیطان او را فریب
میدهد از این راه که عمر دراز است و فرصت بسیار است و چون پیر شوی عبادت میتوانی کرد
الکنون که ایام جوانیست از اسرف عیش و طرب باید کرد دویم ترک کردن توبه و تاخیر و تسویف است
چرا که هر گاه شخص چنین دانست که اجل او طول و دراز است تاخیر توبه میکند بگمان اینکه مهلت خواهد
یافت و اکثر مرگ او را در مییابد بی توبه از دنیا بیرون میرود سیم حرص بر جمع مال و منال
دنیاست چرا که چون گمان شخص عمر بسیار شد باندازه آن تحصیل جمع مایحتاج خود میکند و این
باعث آن میگردد که از هر راهی که تحصیل دنیا از آن راه تواند کرد جمع دنیا کند و حمایت حلیت
و حرمت آن نتواند چهارم قساوت قلب و فراموشی آخرت چون هر یک این صفات ذمیمه چون در شخص
حاصل شد موجب شقاوت ابدی خواهد بود پس لازم است بر هر کس که تا میتواند سعی بکند
که خود را نجات از هر یک از مهالک عظیمه بدهد و خصوص از طول امل که آن منشأ همه صفات
ذمیمه میباشد و نجات یافتن از آنها حاصل میشود بترکیب [illegible] شدن یکی از آنجمله چیز
اول یاد کردن مرگ است و آن شکننده همه لذتها و آمال دنیاست و این هم حاصل میشود بیکی
از آنجمله چیز اول فکر نمودن در باب اعتبار عمر و سرعت انقضای آن و ملاحظه نمودن
بدن و قوا و جوارح و اعضا که چگونه در خراب و انهدام است و هر روز قوتی از قوتهای
او و اعضای او ضعیف و باطل میگردد بلکه در هر ساعت و در هر لحظه آثار ضعف و فتور
در اعضا و جوارح او ظاهر و هویدا میشود دویم پند و عبرت گرفتن در آنکه مرگ به پیر و جوان
یکسان است و هر چه مرگ همه کس را در مییابد و کم روزیست که دو کس و زیاده از هم سن
و امثال و اقران او بمیرند و خبر مرگ ایشان را نشنود و این بیکست و خبر مرگ [illegible]
او را او هم [illegible] که عنقریب [illegible] باید [illegible] و تامل کن که [illegible]
بجای او میرود [illegible] ماند او کشته شده [illegible] و علاجی را باقی نماند

و مرتفعات

برهد از [illegible] این هم

و حرفهای عظیم برای من حاصل شده بود [illegible] بقبرستانها و تامل نمودن در احوال مردگان و عبرت
و پند گرفتن از احوال ایشان چهارم مطالعه نمودن مواعظ و نصایح که از رسول خدا صلی الله
علیه و آله و ائمه هدی صلوات الله و سلامه علیهم بما رسیده و نقل کردن در اینجا بدین [illegible]
و قبول نمودن آنها جمیع نفس زیرا که آن بمنزله آن طبیبان نفس [illegible] و مواعظ و حکم [illegible]
نسخهای معالجه دردهای نفس خلایق است چنانکه از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله [illegible] که
جناب بسیار وصیت میفرمودند اصحابشان را بیاد کردن مرگ و میفرمودند که بسیار [illegible]
او بیاد مرگ را بدرستیکه آن شکننده لذات است و حایل است میان شما و خواهشهای نفسانی
و از حضرت امیرالمومنین ع روایت کرده [illegible] نفات حضرت امام حسن ع وصیت میفرمود
که ای فرزند امل و آرزوهای خود را کوتاه کن و مرگ را یاد کن و دنیا را ترک کن بدرستیکه تو در
گرو مرگی و نشانه بلاهای دنیائی و مغلوب دردها و غمهائی و باطل میشوی که [illegible]
خدا که از عذاب نجات نمی یابد پس حذر کنید از مرگ پیش از آنکه بشما رسد و تهیه [illegible]
کنید که مرگ بر همه احاطه کرده است اگر بایستید شما را میگیرد و اگر میگریزید شما را در می
یابد و مرگ از سایه شما نزدیکتر است و بر پیشانی هم بسته است و دنیا از عقب شما بر هم
پیچیده و عنقریب تمام شده است پس هر گاه شهوات نفسانی شما را امید کند بسیار یاد کنید
مرگ را و مرگ از برای موعظه و پند کافیست و از حضرت امام محمد باقر [illegible]
که از آن جناب پرسیدند که کدام یک از مومنان زیرکتر میبود که آنکه یاد مرگ بیشتر کند
و تهیه مرگ را بیشتر کرده پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود که اکثر حیوانات از مرگ آنچه که
شما میدانید میدانستند یک گوشت فربه از ایشان نمی خوردید و از یاد مرگ [illegible] و از
حضرت امیرالمومنین ع منقول است که بسیار یاد کنید مرگ را که بیرون آمدن از قبرها و
ایستادن نزد خداوند عالم خود را در مقام حساب تا مصیبتهای دنیا بر شما آسان شود

در حدیث دیگر است

دو فرموده که هر که فردا از عمر خود حساب کند مصاحبت مرگ را بد کرده است و مرگ [illegible]
است و از حضرت امام جعفر صادق روایت که با بو صالح فرمود که ای ابو صالح هر وقت که جنازه
را بردارند چنان باش که گویا تو در میان جنازه و از خدا میطلبی که تو را بدنیا برگردانند
تا اندکی کار شایسته کنی و خدا طلب تو را قبول کرده و برگردانید در این حال چه خواهی کرد اکنون
چنین گمان کن و تدارک خود بکن بعد از آن فرمود که عجب دارم از جماعتی که جمعی از ایشان
را بردند و برگردانیدند و بقیه را ندای رحیل کردند که روانه می باید شد و باز مشغول
لهو و لعب و بازی اند دویم شنیدن عقوبات و شدایدی که در عالم برزخ است یعنی [illegible]
گرفته از دنیا و پیش از محشور شدن مردم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الله
الجبر هنا از عقوبات و شدائد در حدیث است از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله که فرمود که چون
دشمن خدا را بر سر قبر برند و جانب قبر صبر ندا میکند حاملان خود را که ای برادران یا [illegible]
شکایت را بشنوید شکایت را بشنوید شکایت میکند بشما از دشمنی و بدبختی شما بدرستیکه
دشمن خدا شیطان جنی و انس را فریب داد و بخلاف آخر اشک و اکنون بفریاد خوبی رسید و قسم [illegible]
کردن خدا را که تمام و مرا فریب داد و شکایت میکنم بشما از دنیا که مرا مغرور کرده و چون بران افتاد کرد
و بران بی بیم مرا بزمین افکند و شکایت میکنم بشما از دوستانی که با ایشان بهر بار خود کرده
بودم و مرا امید هاد ادند از بهر امروز و من بیزار شدند و مرا گذاشتند و شکایت میکنم بشما
از فرزندان خود که حمایت ایشان کردم و ایشان را بر جان خود اختیار کردم و مال مرا خوردند
و مرا واگذاشتند و شکایت میکنم بشما از مالی که ماید خود را صرف تعمیر آن کردم و دیگران ساکن
و شکایت میکنم بشما بسیار دست در قبر صبر که ندا میکند که منم خانه که پدر تنها در آن گرم [illegible]
منم خانه تاریکی و وحشت و تنگی ای برادران مثل این را [illegible] و دیر بیرید و شما
حفره از حفره من با من مثل شدم [illegible] بشارت دادند با آتش جهنم و خواری و [illegible]

ابدی

ابدی و غضب خداوند جبار [illegible] تا بو [illegible] تقصیر کردم در فرمان خدا و دوستان او
بی تا [illegible] بجای دور که در پیش دارم نه شفاعت کننده را دارم که شفاعتم را قبول
و نه دوستیکه بر حال من [illegible] از ایمان بحاوردم در داخل مومنان میشوم
از حضرت صادق ع منقول است که قبر هر روز [illegible] ندا میکند که منم خانه غربت منم خانه تنهائی
و وحشت منم خانه کرم و جانوران منم قبر که بالغم از باغستانهای بهشت یا گودالی از گودالهای جهنم
از حضرت امیرالمومنین ع روایت کرده که فرزند آدم را چون آخر روز دنیا و اول روز آخرت شود
مثال اهل و فرزندان و مال و عمل او در نظر او درآید پس رو بمال میکند و میگوید
که والله من حریص بودم و بخیل بودم در [illegible] کردن تو الحال چه [illegible] میگیرد جواب گوید که کفن
خود را از من بگیر پس بجانب فرزندان التفات مینماید و میگوید والله که شما را بسیار دوست
میداشتم و حمایت شما را میکردم امروز برای من چه دارید گویند که ترا بقبر میرسانیم و در خاک پنهان
میکنیم پس رو بعمل خود میکند و میگوید که والله که من از تو [illegible] و بعضی کران بود و [illegible]
امروز برای من [illegible] گوید که منم همراه تو در قبر و چون محشور شوی با تو خواهم بود تا حق تعالی
بحساب حق کند پس اگر دوست خدا باشد شخصی [illegible] بهترین از همه کس خوشبوتر و خوشروتر
و جامهای فاخر پوشیده میگوید که بشارت باد ترا [illegible] گلهای بهشت و نعمتهای [illegible]
میپرسد که تو کیستی گوید که من عمل صالح توام و چون از دنیا به بهشت [illegible] بهشت است
و [illegible] میدهد [illegible] که جنازه او را برداشتند [illegible]
ببرید پس چون داخل قبر میکنند دو ملک می آیند که موهایشان بزمین میکشند و پای
خود را [illegible] و صداهای ایشان مثل صدای رعد ساید [illegible] است و چشمهایشان
مثل برق بسیار [illegible] گویند که کیست خدای تو و چیست دین تو و کیست
پیغمبر تو و کیست امام تو پس جواب گوید که خدای تعالی ثابت دارد در دنیا دوستی [illegible]

در حدیث دیگر است

[illegible]

و چند بیت از تورات پیغمبر او را الزام میکند انقلاب که چشم کار کند و دو عین از جنت بغیر او میکنند
و میگویند که خطاب کن با فرح و شادی و راحت و اگر شخص خطا باشد شخص تجاید نزع او در نهایت
زشتی و بدبوی و میگویند بشارت باد ترا بجهنم و آتش جحیم عمل و هنگام نزع میشناسد و قسم
سید اهل حال فتنی اگر او را انکار و ابهاد و برید بهرت داخل قبر میشود دو ملک نزد او می آیند
و کفن را از او دور میکنند و از خدا و پیغمبر و امام او می پرسند هیچ نمیگوید که عمل کوینده
هر گز ندانی و هدایت نیافتی پس گرزی بر او میزنند که هیچ جانوری نیست که صدای آن نشنود
بدترین حالی
و نترسد مگر جن و انس و دری از جهنم بقبر او میگشایند و میگویند بخواب بدترین حالی و
قبر بروی تنگ میشود و او را فشاری میدهند که مغز سرش از ناخنهای پایش بیرون میرود
و بر او مسلط میکند حق تعالی مارها و عقربها و جانوران زمین را که او را بگزند تا روزی
که مبعوث شود و از تنگی در شک است اندوه میکند که قیامت قایم شود و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی آمد خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله مرا موعظه
بکن در دنیا با نفقا میباشم و احتیاج بموعظه بسیار دارم فرمود ای فلان با هر عزتی ذلتی
هست و با هر زندگی مرگی هست و با هر دنیا آخرتی هست و بر هر چیز حساب کننده هست و
هر حسنه را ثوابی هست و هر گناهی را عقابی هست و هر اجلی اندازه هست ای فلان بدانکه البته با تو
قرینی خواهد بود که با تو مدفون شود و زنده باشد و تو با او مدفون شوی و مرده باشی و آن عمل تو است
پس آن قرین تو اگر کریم است ترا گرامی خواهد داشت و اگر لئیم است و بلاست ترا وا
خواهد گذاشت و بعد از آن قرین با تو محشور خواهی شد و از تو خواهند پرسید مگر از آن قرین
پس قرین خود را عمل صالح گردان تا انس باو داشته باشی و اگر غیر صالح باشد از او وحشت
خواهی داشت و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که چون حضرت داود ترک اولی
از او صادر شد چهل روز در سجده ماند که در شب و روز میگریست و سر از سجده بر نمیداشت

در این مقام حکایت [illegible] آورده

مگر

مگر وقت نماز تا آنکه پیشانیش مجروح شد و خون بعد چشمهایش جاری گردید بعد از چهل
روز ندا باو رسید که ای داود چه میخواهی اگر گرسنه ای ترا سیر کنیم یا تشنه ای ترا آب دهیم یا عریانی
ترا بپوشانیم یا ترسانی ترا ایمن کنیم گفت پروردگارا چگونه ترسان نباشم و حال آنکه میل [illegible]
کردم و تو خداوند عادلی و عدل و ظلم ظالمان از تو نمیگذرد خطاب او رسید فرمود که ای داود توبه کن پس
روزی داود بیرون رفت بجانب صحرا و زبور میخواند و هر گاه که آن حضرت زبور میخواند هیچ سنگ و
درختی و کوهی و مرغی و درنده نمی ماند مگر آنکه با او در گریه و فغان موافقت میکردند تا آنکه بکوهی
رسید و در آن کوه عابدی بود از انبیاء پیغمبر عابدی بود که او را حزقیل میگفتند چون صدای کوهها
و صدای [illegible] را شنید دانست که حضرت داود است داود گفت ای حزقیل رخصت میدهی که من
ببالا بیایم گفت نه تو گناهکاری داود گریست پس بحزقیل وحی رسید که سرزنش مکن داود
را و از من عافیت را طلب کن که هر که را من بخود واگذارم البته هلاک میشود [illegible]
حزقیل پس حزقیل دست داود را گرفت و بنزد خود برد داود گفت ای حزقیل هرگز اراده گناهی
کرده ای گفت نه گفت هرگز میل بدنیا و شهوات آن در خاطر تو خطور کرده است گفت
بلی گاه هست که این خیال در دل من در می آید پس بسبب آن چگونه علاج میکنی گفت باین دره
این شکاف کوه داخل میشوم و از آنچه در آنجا هست عبرت میگیرم پس داخل شد دید که
تختی از آهن گذاشته است و بر روی آن تخت استخوانهای پوسیده ریخته است و لوحی از آهن نزد
آن تخت گذاشته است داود لوح را خواند نوشته بود که منم ارموی بن سلم که هزار سال پادشاهی
کردم و هزار شهر بنا کردم و هزار دختر را بکارت بردم و آخر کار من این شد که خاک فرش
من شد و سنگ بالش و کرمها و مارها همسایگان و مصاحبان من شدند پس کسی که
مرا ببیند فریب دنیا نخورد و در حدیث دیگر است از آن حضرت که حضرت عیسی بقبری گذشت
که اهل آن قبر در عذاب و صعوبتش هم رسیده بود فرمود که این مرده اند مگر بعذاب الهی [illegible]

دعا کن تا

که اگر منتقم [illegible] یکبار [illegible] میکند حواریان گفتند یا روح الله دعا کن تا ایشان
زنده کرد تا از اعمال خود ما را خبر دهند و ما اعمال ایشان را بدانیم و ترک نمائیم و مستحق
عذاب الهی نشویم حضرت دعا کرد و ندا رسید که ایشان را ندا کن جواب خواهند داد چون شب شد حضرت
در بلندی ایستاد و گفت ای اهل قریه یکی از ایشان جواب گفت که لبیک یا روح الله فرمود که چگونه
بود احوال شما که چنین هلاک شدید گفت که طاغوت و باطل و کم احسان میکردیم و دنیا را بسیار
دوست میداشتیم و از خدا کم میترسیدیم و آرزوهای دور و دراز داشتیم و غافل بودیم و مشغول
بلهو و لعب بودیم فرمود که چگونه بود محبت شما دنیا را گفت مانند طفل که مادر خود را دوست
دارد [illegible] خوشحال میشدیم و چون پشت میکرد میگریستیم و محزون میشدیم فرمود که اطاعت طاغوت
چون میکردید گفت اطاعت گناهکاران میکردیم فرمود که چگونه بود عاقبت کار شما گفت شبی در
عافیت خوابیدیم و صبح خود را در هاویه دیدیم فرمود که چیست هاویه گفت که سجین است فرمود که
کدام است سجین گفت کوهها است از آتش که بر ما احاطه میکند تا روز قیامت فرمود که شما چه
گفتید و ایشان بشما چه گفتند گفت که ما گفتیم که ما را برگردانید بدنیا تا ترک دنیا بکنیم
گفتند که دروغ میگوئید فرمود که چرا از میان اینها کسی غیر تو با من سخن
نگفت گفت یا روح الله لجامهای آتش بر دهان ایشان است و لجامها در دست ملایکه غلاظ و شداد
است و من در میان ایشان بودم اما از ایشان نبودم چون عذاب الهی نازل شد مرا هم با ایشان
فرا گرفت و من بیک موی در کنار جهنم آویخته ام و نمیدانم که در آتش جهنم افتم یا نجات خواهم
یافت پس حضرت عیسی رو بجانب حواریان کرد و فرمود که ای دوستان خدا بدانید که نان خشک را
با نمک درشت خوردن و بر روی مزبلهها خوابیدن خیر بسیار دارد و موجب عافیت و نجات
آخرت است پس معلوم شد که اهل آخرت و عذاب و حساب روز قیامت است چنانچه از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله منقول است که گاه باشد که بنده را بر گناهی از گناهانش صد سال در محشر حبس

[illegible]

بدارند و او نظر کند بر زنانش که در بهشت متنعمند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که
فرمود که حساب نفس خود را بکنید پیش از آنکه شما را حساب کنند بدرستیکه قیامت پنجاه موقف است
و در هر موقفی هزار سال حبس خواهند کرد و در حدیث دیگر است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود که
چون این آیه نازل شد که و جیء یومئذ بجهنم از صحابه تفسیر آنرا پرسیدند فرمود که جبرئیل
مرا خبر داد که چون حق تعالی عالمیان اولین و آخرین را در محشر جمع نماید بفرماید که جهنم را بمحشر
در آورند و او را بکشند بهزار مهار و هر مهاری را هزار ملک داشته باشد از ملایکه غلاظ
شداد و جهنم فریاد کند از خشم بر گناهکاران و حمله کند پس چون بآن نزدیک شود نعره کند که اگر
خدا حفظ نماید همه از شدت آن هلاک شوند پس گردن بکشد که جمیع [illegible]
الخلایق هیچ بنده از بندگان خدا نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل نباشد مگر آنکه فریاد برآ
ورد که نفسی نفسی یعنی خداوندا بفریادم برس و جان مرا از عذاب آزاد کن [illegible]
[illegible] و تو یا محمد فریاد برآوری که امتی امتی یعنی
امت مرا نجات امت مرا از عذاب آزاد کن پس صراط بر روی جهنم گذارند از موی باریکتر
و برنده تر از شمشیر باشد سه قنطره باشد یکی صله رحم و امانت دویم نماز سیم عدالت خداوند عالم
[illegible] پس صله رحم را تکلیف کنند که از صراط بگذرند چون صله رحم و امانت نگاه دارد که اگر قطع
رحم کرده باشد یا امانتهای الهی و پیمانها او شکسته باشد در اینجا بماند و اگر از
اینجا نجات یابند نماز ایشان را نگاه دارد و هر که در نماز تقصیر کرده باشد و از آنجا بگذرد
بمقام عدالت عباد برسد چنانچه میفرماید که ان ربک لبالمرصاد بدرستیکه پروردگار تو در کمینهای
صراط است و ایشان را در اینجا باز میدارد و سؤال میکند و مردمان بر صراط آویخته باشند بعضی
چسبیده باشند و بعضی قدمهای ایشان بلغزد و بعضی یک قدم بلغزد و یکی بند شود و ملائکه
در دور ایشان فریاد میکنند که ای خداوند حلیم بود باد بیامرز ایشان را و از گناه ایشان

درگذرد و بفضل خود با ایشان معامله کن و ایشان را سلامت بگذران و حرم ایشان [illegible]
از صراط المستقیم مانند پروانه پس کسی که بر محبت اهل البیت باشد و از صراط بگذرد چون گوید الحمد لله
که خدا را الجنان داد و معلوم شد که ما یوسی سوی بوم بفضل و احسان خود بدهشت بکه پر دو مکان
ما امیرها [illegible] است و در حدیث دیگر است که پیغمبر فرمود با بوذر را ابوذر بدانکه
بتحقیق حق تعالی ملکی چند هستند که تسبیح ایشان از خوف الهی و سر الا [illegible] تا روزی
که در صور بدمند و ملک آخری که همه خلق بآن زنده میشوند پس جمیع ملک مکرمه الحال میگویند
خداوندا ترا منزه میدانیم از جمیع نقایص و عیبها و از اینکه عبادت ما قابل درگاه تو باشد و ترا
بر جمیع نعمتها شکر بکنیم و عبادت تو بکنیم چنانچه سزاوار عبادت است و اگر شخصی عمل هفتاد پیغمبر داشته
باشد هر اینه عمل خود را سهل شمرده از شدت احوال که در آن روز مشاهده مینماید و اگر بدلوی از غسلین
جهنم که چرک و ریم اهل جهنم است در دنیا بچکند آتش در مشرق آفتاب بر بریزند هر اینه از حرارت و گرمی
آن البته ایل مغز سران جماعتی که در مغرب آفتابند و جوشد و بجوالی محشر [illegible] و عبد ابی تمام
اهلی نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر آنکه بزانو در افتند و هر یک استغاثه کنند که خداوندا نفس
مرا رحم کن و در آنها مرتعش و هم [illegible] خود باشند حتی ابراهیم خلیل الله [illegible] گویند خود را
فراموش کنند و بجلال خود سوگند یاد کن و گوید ای پروردگار من خلیل تو ام ابراهیم مرا در این روز
از رحمت خود فراموش مکن و اگر خود را از نفس باز مکن و در بعضی از روایات وارد شده که ابو الدردا
گفت شنیدم [illegible] کسی را که از مردمان کناره کرده و در پشت درختان خود را پنهان
شده و با واز حزین و نعره دردناک میگوید که الهی چه بسیار گناهان کردم که اندوه من بر داشتی
و در برابر اینها نعمت فرستادی و چه بسیار بدیها که از من صادر شد و کرم کردی و رسوا نکردی الهی
عمر من در معصیت تو بسیار گذشت و گناهان من در نامه اعمال عظیم شد پس من غیر از آمرزش
تو امید ندارم و بغیر خوشنودی تو آرزو ندارم پس از پی آن صدا رفتم و دانستم که حضرت

امیر المومنین

امیر المومنین علیه السلام است پس در پشت درختان پنهان شدم و آن حضرت رکعات بسیار بجا آورد
آورد و چون فارغ شد مشغول دعا و گریه و مناجات شد و از جمله آنچه میفرمود این
بود که الهی چون در عفو و بخشش تو فکر میکنم گناه بر من آسان میشود و چون عذاب عظیم ترا یاد
میآورم بلیه خطاهای من عظیم میشود آه اگر بخوانم در نامها عمل خود گناهی چند که فراموش
کرده ام و تو آنها را احصا فرموده پس بگوئی که بگیرید او را پس وای بر چنین گرفته شده
و اسیری که خویشان او را نجات نمیتوانند بخشید و قبیله او فریاد رس نمیتوانند بود و جمیع اهل
محشر بر او رحم میکنند آه از آتشی که جگرها را بریان میکند آه از آتشی که جمیع اعضا را فرو
میریزد آه از زبانه های افروخته از شعله های جهنم پس بسیار گریستند تا آنکه دیگر صدا و حرکت
از آن حضرت نشنیدم با خود گفتم که البته خواب بر آن حضرت غالب شد از بسیاری بیداری
نزدیک رفتم که برای نماز صبح آن حضرت را بیدار کنم چندانکه حرکت دادم حرکت نمود مانند چوب
چوب خشک افتاده بود گفتم انا لله و انا الیه راجعون بدو دویدم بجانب
خانه آن حضرت و خبر را بحضرت فاطمه صلوات الله و سلامه علیها رسانیدم فرمود که قصه چه بود
عرض کردم فرمود که والله ای ابو دردا این غشیه است که در اکثر اوقات او را از خوف الهی
رو میدهد پس آب آوردند و بر روی آن حضرت پاشیدند بحال آمد و نظر بجانب
من میفرمود من میگریستم فرمود که از چه میگریی ای ابو دردا گفتم از آنچه میبینم که
تو با خود میکنی فرمود که اگر ببینی مرا که بسوی حساب بخوانند و در وقتی که گناهکاران
یقین بعذاب خود داشته باشند و ملائکه غلاظ و زبانیه تند خو مرا احاطه کرده باشند
و نزد خداوند جبار مرا بدارند و جمیع دوستان مرا واگذارند و اهل دنیا هم بر من
رحم کنند هر اینه [illegible] بیشتر رحم خواهی کرد که نزد خداوندی ایستاده باشم
که جمیع امور بر او پوشیده نیست [illegible] شنید [illegible] باشد اصل عاصیان

و احادیث در این باب بسیار است بعضی از آنها گذشت در اول کتاب و هرگاه رجوع بآنها
بشود و [illegible] باشد همانا کفایت میکند [illegible] که شیطان لعین [جن و انس]
وسوسه میکند و آدمی را در معصیت می اندازد بخیال آنکه محبت امیر المومنین و سایر ائمه طاهرین
صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین باعث نجات خواهد بود و خدا هرگز نخواهد گذاشت که شخص را
عذاب بکند و این خیال خیالی فاسد است چرا که شیعه علی بن ابی طالب و محب ایشان آن کسی است
که طاعت ایشان کند و متابعت ایشان را [illegible] احادیث معتبر وارد شده است
که هر عملی که فرزند آدم میکند آن عمل را بر ایشان عرض مینمایند و ایشان بر اعمال امت مطلع
میشوند پس اگر کسی ایمان بخدا و رسول و امام داشته باشد و تفکر نماید که این
قبیحی که میکند حق تعالی حاضر است و بر فعل او مطلع است و حضرت رسول و ائمه معصومین بر فعل
او مطلع میشوند و این عمل قبیح او را بر ایشان عرض مینمایند و دو ملک که پیوسته ملازم او میباشند
البته بر عمل او مطلع میگردند و اگر حق تعالی پرده از او بر گیرد ملائکه سموات بر عمل قبیح او اطلاع می
یابند و در روز قیامت در حضور [illegible] و [illegible] رسوا و خجالت از ملائکه و عباد
رسوا خواهد شد و این معنی از روی یقین و ایمان حالی او گردد البته متوجه آن عمل نخواهد
شد پس هرکه شیعه و محب ایشان است و این دعوی او [illegible] باید که از مخالفت
ایشان مجتنب باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که شخصی عرض نمود خدمت حضرت امام
جعفر صادق ع که جمعی از شیعیان شما هستند که گناهان کبیره میکنند و میگویند ما امیدوار رحمت
خدا داریم حضرت فرمود که دروغ میگویند ایشان شیعه ما نیستند [illegible] مایل
شده اند و گمان میکنند که امید دارند هرکه امید چیزی میدارد از برای تحصیل آن کار میکند
و هرکه از چیزی میترسد از آن گریزان میباشد و در حدیث دیگر است از آن حضرت
که نیست شیعه جعفر مگر کسی که شکم و فرج خود را از حرام نگاه دارد و سعی در عبادت [illegible] باشد

و از برای

در بیان [illegible]
شیعه علی [illegible]
شیعه است

و از برای او [illegible] کار خود بکار بکند و امید ثواب و ترس عقاب او داشته باشد پس
اگر این جماعت را بر شیعه ایشان مستند و در حدیث دیگر است از آن حضرت نیز که فرمودند بجابر
که ای جابر سلام مرا بشیعیان برسان و با ایشان بگو که میان ما و خدا خویشی نیست و تقرب بخدا
نمیتوان مگر بطاعت ای جابر هرکه اطاعت خدا کند و محبت ما داشته باشد او شیعه ما است
و کسی که معصیت خدا کند محبت ما او را نفع نمیدهد و در حدیث دیگر است از حضرت امام محمد باقر ع
که فرمودند بجابر که ای جابر آیا همین بس است کسی را که تشیع را بر خود می بندد که دعوی محبت ما
اهل بیت کند و شیعه ما نیست مگر کسی که اطاعت خدا کند و تقوی و پرهیزکاری
داشته باشد ای جابر نبودند شیعیان ما شناخته مگر بخشوع و شکستگی و بسیاری ذکر خدا
و بسیاری نماز و روزه و خدمت همسایگان [illegible] از فقرا و مساکین و قرضداران و یتیمان
و راستی سخن و تلاوت قرآن و زبان نگاهداشتن از غیر نیکی مردم و امینان خویشان بودن در
جمیع امور جابر گفت یا ابن رسول الله من کسی را در این زمان باین صفات نمیشناسم حضرت
فرمود که ای جابر باین خیالها از راه مرو همین بس است که دعوی کند که علی را دوست میدارم
و ولایت او دارم اگر بگوید محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله را دوست میدارم و حال آنکه آن حضرت
بهتر از حضرت امیر المومنین است بلکه آن حضرت عمل ننماید و پیروی سنت او نکند از محبت هیچ نفع
او نمی یابد از خدا بترسید و عمل کنید [illegible] الهی [illegible] میان خدا و احدی
از خلق خویشی و خصوصیتی نیست [illegible] ایشان نزد خدا کسی است که پرهیزکاری [illegible]
الهی را بیاد کند و عمل بطاعت خدا کند [illegible] جهنم از برای شما [illegible] و هیچکس را بر خدا
حجتی نیست هرکه مطیع خداست ولی و دوست ما است و هرکه معصیت الهی بکند او دشمن ما است
و بولایت ما نمیتوان رسید مگر بپرهیزکاری و عمل صالح و در حدیث دیگر است از حضرت
امیر المومنین ع که هرکه ما را دوست دارد باید که باعمال ما عمل کند و استعانت جوید بورع

بدرستیکه لعنت چیزی که در امر دنیا و آخرت بان استعانت باید جست ورع است و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمودند بابی الصباح که چه بسیار کم است در میان شما کسی که متابعت جعفر نماید اصحاب من نیست مگر کسی که ورع او شدید باشد و عظیم باشد و از برای خالق خود عمل کند و امید ثواب او داشته باشد این جماعت اصحاب منند و در حدیث دیگر است که فرمودند که ما ادعا نمیکنیم که ما اهل بیت شما را مگر آنکه جمیع اوامر الهی را متابعت و اراده و خواهش نمودهای ما داشته باشید و از جمله متابعت و اراده امر ما ورع و پرهیز کاریست پس ورع را زینت خود کردانید تا مرحمت الهی کرده باشد و بورع دفع کنید دشمنان ما از خود بکنید تا خدا شما را ملبس مرحمت گرداند و در حدیث دیگر است که فرمودند که بر شما باد بورع و شدت عبادت و شهادت بدرستیکه ورع دینی است که ما پیش ملازم او میباشیم و خدا را بان عبادت میکنیم و ما نیز اراده میکنیم از دوستان و شیعیان خود پس ما را بتعب مینداز بید در شفاعت خود باینکه ترک عبادت شوید و مبادا دشمن باشید شفاعت شما فصل سیم در این است که معاصی اخبار هم عضوی از اعضای انسانی است و هم مفاسد و مرض پس هر گاه بعضی اعضا مشغول بعصیان نگذارد که هست تا کند ایشان الفالکیه و اما المفسد انفضاد او کرده اند باین مفاسد و صوبه او از کا بکه سه و کاکه بالحیف مل نرک شل مکلم بکند بلکه بچیف نانی میل ترک نکند بر الحد است مذکور افعال افعال تو است و تا بدین هم بیان نمود میشود در حدیث است از امام جعفر صادق ع که چه بدگانی نمی کنی ... و در حدیث دیگر است از الحضرت که هیچ دکی از رحمای خود حرکت نمیکند و باین نمی افزاید و هیچ مکی بنده نمی کند که کناهان بی نسیه که بر جمع میشد کالماء بکرد معصیة و ایت ایدیکم و یعفو عن کثیر یعنی انجه میرسد شما از مصیبتها پس بکسب

دستهای

دست خود تان است و باز خدا از بسیاری از کناهان شما عفو میفرماید و بحق عفو علینا یک پس فرمود انچه خدا عفو میکند زیاده از آن است که جزا بدهد و در حدیث دیگر است از حضرت که فرمودند که پناه میبرم بخدا از سطوت او تمامی ساعت شب و روز کفتم که کدام است سطوت خدا فرمود که کرفتن اوست بکناهان و در حدیث دیگر است از حضرت امام محمد باقر ع که کاه هست که بنده کناه میکند پس روزی را از او منع میکنند و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمودند بدرستیکه کناه محروم میکند بنده را از روزی و در حدیث دیگر است که بجز آنکه نیست که بعد کناه را معصیت کنند خراب کند خانه او را تا آفتاب پاک سازد او را و در حدیث دیگر است که از امام محمد باقر ع که فرمودند که حق تعالی نعمت را کرده که نعمتی که بنده داده است از او سلب نماید تا انکه کناهی بکند و مستحق عذاب شود پس از نعمت را از او سلب نماید و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمودند که حق تعالی بپیغمبری از پیغمبران خود را فرستاد بسوی قومی و باو وحی کرد که بقوم خود بکو که هر اهل قریه و جماعتی که اطاعت من کنند سروری بیابند پس تغیر دهند طاعت را بمعصیت البته تغیر میدهم نعمتی از ایشان مکروه و مصیبت و هر اهل قریه و کروهی که معصیت من کنند و مکروهی بایشان برسد پس تغیر دهند معصیت را بطاعت البته مکروه ایشان را تغییر داده نعمتها بایشان عطا میکنم و در حدیث دیگر است از حضرت امام رضا ع که فرمودند که حق تعالی وحی نمود بپیغمبری از پیغمبران که هر گاه اطاعت من کنند راضی و خوشنود میشوم و برکت میدهم و برکت مرا نهایت نیست و هر گاه معصیت من کنند غضب میکنم و چون غضب کنم لعنت میکنم و اثر او تا هفت پشت میرسد و در حدیث دیگر است که فرمودند که هر چه بندگان کناه میکنند حق تعالی بر ایشان بلاها میفرستد و در حدیث دیگر است که خدا میکند که ای بنده کان خدا باز ایستید از کناهان که اگر بنده حیوانات جرند و طفلان شیرخواره و پیران خم شده نبود هر اینه بر شما عذاب نازل میشد

میشد پیاپی و در حدیث دیگر است از حضرت امام محمد باقر ع که کاه هست که بنده از خدا سؤال میکند و نزدیک میشود که حاجتش را برآورد کناهی میکند خدا وحی میفرماید بملک که حاجت او را برمیاور که او متعرض غضب شد و مستوجب حرمان کردید و در حدیث دیگر است که فرمودند که هیچ سالی باران از سال دیگر کمتر نمیاید ولیکن خدا هر جا که میخواهد میفرستد بدرستیکه هر گاه قومی معصیت کنند آنچه از باران که برای ایشان مقدر شده است از ایشان باز میکیرد و در بیابانها و دریاها و کوهها میبارد و کاه هست که جعل را عذاب میفرماید در سوراخ خود بسبب بازداشتن باران بسبب کناهان جماعتی که در حوالی ایشان جا کرده است و حق تعالی از اراده داده است که بمحل دیگر جا بکیرد بعد از آن حضرت فرمودند که عبرت بگیرید ای صاحبان بینشها و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع که بغی کردن و تکبر و فساد و ... نعمتها را تغیر میدهد ... قتل نفس موجب ندامت میشود و ظلم و ستم موجب نزول عذاب ... حلال میکردد و شراب خوردن موجب رسوائی ... و منع دعا میشود و قطع رحم سبب فقر ... و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمودند که پناه میبرم بخدا از کناهانی که زود عقوبت آن میرسد و نزدیک میکرداند اجلها را و خانه‌ها را خالی میکند و ان قطع رحم است و عقوق والدین و ترک نیکی است و در حدیث دیگر است که فرمود الحضرت که چون فاش شود چهار چیز ظاهر میشود چهار چیز چون فاش شود زنا ظاهر شود زلزله و چون فاش شود حکم بغیر ما انزل الله و ظلم در حکم قطع میشود باران از آسمان و چون بشکنند مسلمانان امان کفار را کفار بر ایشان مسلط میشوند و چون منع زکوة میکنند پریشان و محتاج میکردند و در حدیث دیگر است از امام محمد باقر علیه السلام که فرمودند که در کتاب علی ع یافتیم که پنج خصلت است که اکر در یابید ان خصلتها را پناه برید بخدا از آنها هر کاه ظاهر شود ...

فاحشه در میان قومی که علانیه کنند انرا مکر آنکه طاعون در میان ایشان ظاهر شده است و دردها که پیشتر نبوده اند در میان ایشان شایع شده و هر گز کیل و وزن را کم نکرده مکر آنکه بخشک سالی و قحط و غلاء و جور حکام مبتلا شده اند و هر گز زکوة را منع نکرده اند مکر آنکه باران از آسمان قطع شده و اکر بهایم و حیوانات نبودند هر گز بارانی بر ایشان نمیبارید و هر گز عهد خدا و رسول را نشکسته اند مکر آنکه حق تعالی دشمنان ایشان را بر ایشان مسلط کردانیده و بعضی از آنچه در دست دارند از ایشان کرفته اند و هر گز حکم بغیر حق نکرده اند مکر آنکه حق تعالی شر ایشان را در میان خود شان کذاشته ... و فصل چهارم در بیان اقسام معاصی است بدانکه معاصی مثل طاعات منقسم میشوند بمعاصی که ثابت شده است باصل شرع مثل معصیت ... است باصل ... مثل ... مباح است ... میشود معصیت ... جوارح ظاهر ... هریک از این معاصی ... لکن جمعی از علمای اصحاب رضی الله بر آنند که جمیع معاصی کبیره اند ...

اتفاقا اگر در جائی صغیره مکفر شود مراد شان گناهانیست که عفو نشود کرا است
بگناهانی که از آن عظیم تر است مانند نا بوسیدن نامحرم کردن و نگاه کردن اجنبیه
واین قول ضعیف است از وجه چند وحق قول اول است وانبیاء شواهد بسیار هست
از کتاب واخبار وارده از ائمه اطهار علیهم السلام وثمره این قول ظاهر میشود در موارد چند یکی
در نذر ویمین وایمان است که اگر کسی نذر یا عهدی بکند یا قسم بخورد که جرم را
بکند شخص از معاصی کبیره باشد پس اگر معاصی کلا کبیره باشد واین شخص ترک گناهان
شود باشد پس باید ملاحظه نماید که صغیره را ترک بکند یا ولایت
اجتناب از جمیع کند تا رفع مواخذه بشود وتحقیق باید بتوبه کرد از جمیع وتوبه لازم است
در انها خلاف قول که گذشت واجب نیست مکرر همان کبائر از انها یکی دیگر انکه اصحاب
صغیره بنابر قول اول مخرج از عدالت نیست وبنابر قول ثانی قادح نیست مگر بر صغیره که در حد
اصرار وکثرت برسد وتحقیق خلاف است در میان علما از خاصه وعامه که مراد از کبیره وصغیره
چه چیز است واقوال بسیار در میان ایشان وبخصوص عامه بهم رسیده است وبعضی از متاخرین
شیعه گفته اند که این خلاف مثل خلاف در شب قدر است میان نوال در او نیست وکوبا مصلحت
در ابهام اینها اجتناب کردن خلق است از جمیع معاصی یعنی واقع نشوند در هیچ یک از انها
وجمع از متاخرین وسابقین را بنا بر این است که معاصی کبیره عبارت است از هر
چیزی که وعده آتش جهنم برآورده شده باشد در کتاب خدا وبنی عالم وبعضی را اعتقاد این است
که آن گناهیست که خداوند عالم یا پیغمبر یا رسول خدا وائمه هدی علیهم السلام در احادیث بآن
بام وعده آتش جهنم برآورده باشند یا وعده عذاب شده باشد که آن عذاب منتهی باشد به آتش
جهنم ومعاصی صغیره عبارت است از آن چیزهائی که وعده آتش یا عذابی که گذشت در کتاب یا سنت
باهم نبوده باشد اصلا یا وعده عذابی شده باشد بدنیا ولکن مغیا بجهنم که گذشت وبعضی
گفته اند

کبیره
گفته اند گناهان کبیره گناهیست که حرام بودن آن بجزم وقطع معلوم شده باشد وحجت آن
شکی وریبی نباشد وبعضی ذکر نموده اند که هر چه حق تعالی در سوره نساء از اول سوره تا آیه
که میفرماید ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم وندخلکم مدخلا کریما از گناهان نهی
فرموده همه آنها گناهان کبیره است
~~و در عدد گناهان کبیره خلاف است~~ آنچه مذکور شد محل خلاف واضطراب شده است
اثنی عشریه اصحاب روایت بعضی قایل شده اند باینکه آن هفت است وبعضی قایل شده اند باینکه
دوازده است وبعضی قایل شده اند باینکه آن بیست است وبعضی قایل شده اند باینکه
آن سی وچهار است وبعضی قایل شده اند باینکه آنها هفتصد است واین منقول از ابن
عباس است واین اختلاف ناشی شده است از اختلافی که در رسیده است در روایات وارده
از ائمه اطهار علیهم السلام وظاهر این که بسیار است ومنحصر نیست در عدد خاصی وبخصوص
در هفت والخ وارد شده است در حدیث صحیح که دلالت میکند بر آنکه عدد آنها هفت است
گویا از باب اهتمام بشان آنها باشد نه از باب انحصار در آنها واحتمال دارد که مراد از این
حدیث امثال آن این باشد که کبایر هفتاد است از آنها نازل وعد بر اصل بعضا ثم اصله
قاصل بعض البیان علیهم السلام شده است چنانکه وارد شده است باین مضمون بر حدیث
صحیحی از حضرت امام جعفر صادق ع که گناهان کبیره هفت گناهیست که هم در حق ما
نازل شده واین است حقا کار انها قبت با حلال دانسته اند پس اول گناهان شریک
بخداوند بستگواه قرار دادن است ودوم آن گناهان کشتن نفس است که حق تعالی حرام
کرده وسوم خوردن مال یتیم وعاق پدر ومادر شدن وقذف کردن ونسبت
دادن زن نیکو عفیفه باشد وفرار از جهاد کردن وانکار حق ما اهل بیت کردن اما
شرک بخدا گناه عظیم است بسبب آنکه حق تعالی در شان ما نازل ساخت نزد ما الخ نازل ساخت

در رسول خدا ص فرموده ورحمان ما الخ فرموده وانها نفی تکذیب خدا کرده اند وبا خدا شریک
قرار داده اند واما کشتن نفس که خدا از احرام کرده بدرستیکه کشتند وشهید کردند حسین را
واصحاب آنحضرت را واما خوردن مال یتیم بدرستیکه بردند غنایمی را که حق تعالی برای ما قرار داده
بود وبدیگران دادند واما عقوق والدین بدرستیکه حق تعالی در کتاب خود فرموده که پیغمبر اولی است
بمومنان از نفسهاشان وزنان ایشان وزنان پیغمبر مادران مومنانند پس این است عقوق ورزیدند
با رسول خدا ص در باب ذریت آنحضرت ودعا شده اند با مادر خود حضرت خدیجه در باب ذریت
او وامام اکلا او واما قذف زن محصنه بدرستیکه این کافران ملاعنه قذف کردند حضرت فاطمه را
صلوات الله علیها را در منبرهای خود واما فرار از جهاد بدرستیکه با امیرالمومنین ع از روی اطاعت
طوع ورغبت بیعت کردند پس گریختند وفرار نمودند واما انکار حق ما اهل
بیت اطهار است که خود هم در ان نزاع نداریم وعلاقه حال الخ در بعضی اخبار وکلمات اصحاب
ذکر شده است ان شاء الله وهم در اینجا ذکر میشود تفصیل که ملتفتی وانتشر باشد انها
که مبادا بسیر چون انها یک جهت ودر حق واقع از کبایر هم بوده باشد وشخص بارتکاب آن معاقب
~~اخبار بعضی از ائمه تبعیه بدانکه ذکر شده است از این قبیل معاصی در بعضی اخبار وکلمات اصحاب~~
اصحاب رضوان الله علیهم مثل قتل است بدانکه قتل کردن نفس یعنی کشتن
نفس بغیر حق وبدون قصاص شرعی حرام است واز جمله گناهان کبیره است ودر اخبار معتبره وارد
شده است از پیغمبر خدا ص که گناه کار ترین مردم کسیست که کسی را بناحق بزند یا بکشد واز حضرت
امام جعفر صادق ع روایت کرده در حدیث صحیح ومادامیکه مرتکب خون حرامی نشود وکسی که
بعمد مومنی را بکشد توفیق توبه نمییابد واز حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که مومنی
بعمد بکشد خدا جمیع گناهان کشنده را بر کشته شده اثبات مینماید وکشته شده از گناهان
بری میشود واز حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده که مومنی را بناحق بکشد در وقت
قسم اول در افعال واعمالیست که فعل آنها از گناهان عظیم است
ومعصیت عظم در فعل آنها مترتب میشود وآنها بسیار است
اول ...

اول از این جمله گناهان واکبر کبایر است انکار کردن توحید است یعنی قائل شدن بشریک
از برای خداوند عالم وتکالیف ونفی صفات کمالیه از خداوند عالم مانند انکار قدرت
خدا چنانچه بعضی از فلاسفه کرده اند وخدا را مانند آتش در سوختن فاعل موجب دانسته اند
مانند انکار علم چنانچه طایفه از فلاسفه منکر آن شده اند وخدا را بیجان نموده اند وخدا را جاهل بعالم
ملیات دانسته اند یا اثبات نقص از برای خدا که جناب قدس الهی از آن منزه ومبرا باشد مانند
جسم کردن آن که بعضی علیهم اللعنه کرده اند وخدا را مانند جسم صاحب اعضا واجزا دانسته اند یا
خدا صاحب زمان ومکان دانستن چنانچه طایفه از نصارا قایل شده اند یا خدا را ظالم دانستن
چنانچه اشاعره میگویند که ظلم را بر خدا روا میدانند وبالجمله جناب اقدس باری را جامع
صفات کمال ومنزه از هر نقصی که لایق جناب اقدس او نباشد نمودن ودانستن واجب است وخلاف
آن کفر است وانکار کبایر است دوم چنین اعتقاد کردن بنبوت حضرت رسالت ص
که خاتم انبیا واشرف انبیا است واعتقاد کردن بنبوت سایر پیغمبران که پیش از
آنحضرت مبعوث شده اند اگرچه بر وجه اجمال باشد واجب است وخلاف آن یعنی انکار
کردن نبوت آنحضرت یا یکی از انبیا سابقین کفر است واز اکبر کبایر است سوم چنین اعتقاد
کردن بامامت امیرالمومنین ویازده فرزند آنحضرت صلوات الله علیهم وسلامه وسایر ائمه طاهرین علیهم السلام
واجب است وانکار امامت یکی از ایشان حتی حضرت قائم کفر است واز اکبر کبایر است چهارم
اعتقاد کردن بمعاد جسمانی که حق تعالی در روز قیامت جمیع ارواح را به ابدان
متعلق میسازد واز برای ثواب وعقاب بر میگرداند وقطعا یک دسته را به بهشت ودسته را به
جهنم داخل میکند این واجب است وانکار آن کفر است واز اکبر کبایر است پنجم
ترک عقیده به ... بر ما معلوم شد که هرکه از اصول دین مرتب گردد بلکه در این اصول
شخص اعتقاد داشته باشد تا انکه احکام آن مرتب گردد هرکس انکار کند یکی از اصول
دین را ابطال خواهد بود ودین او باطل خواهد بود ...
... باشد عذابهای ... سهل است که امید داشتم از ...
... الرحمن ...

مردن باو کویند که اکر خواهی یهودی بمیر و اکر خواهی نصرانی بمیر و اکر خواهی مجوسی بمیر

از حضرت رسول صلعم منقول است که کافر ... [illegible] ... وکسی که برات ... کشتن مردم بناحق

و جادو کر ... [illegible] ... وکسی که مردم ... [illegible] ... جماع کند وکسیکه با حیوانی جماع کند وکسیکه با

محارم خود ... [illegible] ... جماع کند وکسیکه سعی در فتنه و فساد کند وکسیکه ... [illegible]

... [illegible] ... وکسیکه ... [illegible] ... وکسیکه تا ... [illegible] ... باشد ... [illegible] ... واجب باشد

... [illegible] ... از حضرت امام محمد باقر ... [illegible] ... روایت است که اول چیزی که ... [illegible] ... حکم میفرماید در قیامت

... [illegible] ... بین ایشان ... [illegible] ... و در میان ایشان حکم میکند ... [illegible]

... [illegible] ... باشد کشته ... [illegible] ... خود ... [illegible] ... و میر ... [illegible] ... که

این ... [illegible] ... در میان مردم دیکر حکم میکند و از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام منقول است که ... [illegible] ... کسی ... [illegible] ... داخل بهشت ... [illegible] ... یا ...

... [illegible] ... و از حضرت رسول صلعم روایت است که فرمود ... [illegible] ... حال

... [illegible] ... کشته ... [illegible] ... جهنم است ...

حدیث دیکر فرمود که ... [illegible] ... جمیع اهل آسمان و زمین ... [illegible]

در خون مسلمانی ... [illegible] ... باشند ... [illegible] ... جهنم ... [illegible] ... و از حضرت امام محمد باقر

منقول است که ... [illegible] ... فرمود ... [illegible] ... که ... [illegible]

اجتناب نمایند از کشتن ... [illegible] ... که ... [illegible] ... در دنیا ... [illegible] ... جهنم ...

... [illegible] ... کشتن ... [illegible] ... کرام است و از جمله ... [illegible] ... کبیره است کشتن

انسانی که محترم باشد ... [illegible] ... با ... [illegible] ... باشد ... [illegible]

... [illegible] ... در میان ... [illegible] ... باشد یا ... [illegible] ... باشد یا

... [illegible] ... باشد یا عاقل ... [illegible] ... باشد یا ... [illegible] ... اثنی عشری ... [illegible] ... از ...

افراد مسلمانان و مثل قتل نفس عذابست قتل نفس خود شخص در حدیث است که هر که بکشد
نفس خود را عمداً پس او در آتش جهنم خواهد بود مخلّد و در [illegible] احادیث معتبره بسیار وارد
شده است که بعد از وفات رسول خدا در غلاف شمشیر آنحضرت صحیفه یافتند که در آن
[illegible] بود [illegible] که طاغی ترین مردم نزد خدا کسی است که بکشد
غیر کشنده خود را و بزند غیر زننده خود را و هر که حدثی یا بدعتی را جا دهد [illegible] لعنت
خدا و لعنت ملائکه و لعنت همه مردم بر او و حق تعالی هیچ عمل از اعمال او قبول نکند و در بعضی از روایات
وارد شده است که [illegible] قتل است [illegible] کسی که شخصی را بنا حق بکشد یا قاتل را در خانه
خود جا دهد و در حدیث دیگر وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق ع که رسول خدا
فرمود که خدا زبان را در جهنم عذابی خواهد فرمود که هیچ عضوی را چنان عذاب نکند پس زبان
خواهد گفت خداوندا [illegible] زیاده از سایر اعضا عذاب کردی خطاب رسد که کلمه
از تو صادر شد در شرق و غرب عالم رسید و بسبب آن خونهای حرام ریخته شد [illegible]
[illegible]
جوارح دیگر عذاب نکنم [illegible] و از جمله گناهان کبیره
در حدیث است از حضرت امام جعفر صادق ع که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که روز قیامت
هر کس کاری [illegible] که [illegible] باشد نزد حق تعالی از زمین که [illegible] پیغمبری یا امامی
را یا خراب کند [illegible] یا [illegible]
[illegible] در حدیث دیگر فرمودند که هر که زمین را [illegible]
[illegible]
[illegible]
از کرده شود و در حدیث دیگر است که [illegible] از حضرت امام محمد باقر ع [illegible]

که

که کلانتر [illegible] الزنا انه کان فاحشة و ساء سبیلا فرمود یعنی نزدیک زنا مروید بدرستیکه آن
معصیتی [illegible] است و سبب خشم و غضب خدا میگردد و بد راهیست زنا و زناکار بدترین
مردمان خواهد بود در عذاب و زنا بدترین گناهان کبیره است و در حدیث دیگر است
از حضرت امیرالمؤمنین ع که دروغ میگوید کسی که گمان میکند که حلال زاده است و زنا را
دوست میدارد و دروغ میگوید کسی که گمان دارد که خدا را میشناسد و در هر روز و هر شب جرأت
میکند بر گناهان و معصیت خدا و بندگان او و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر
صادق ع که از [illegible] از رسول خدا صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین روایت نمود که
آنحضرت فرمود چهار چیز است که یکی از آنها داخل خانه نمیشود مگر آنکه خانه خراب میشود
و هرگز [illegible] بآبادانی عمل نمیکند خیانت در امانت کردن و دزدی کردن و شراب خوردن و زنا
کردن و در حدیث دیگر است از آنجناب که زنا روی را سیاه میکند و فقر میآورد و عمر را قطع
مینماید و روزی را قطع میکند و [illegible] را بر طرف مینماید و غضب خدا را بر میانگیزد
و زناکار را [illegible] ذلیل و [illegible] در حدیث دیگر است از حضرت امام موسی کاظم ع که فرمود
[illegible] زنا که روزی را برطرف میکند و دین آدمی را باطل میکند و در حدیث
دیگر است از رسول خدا ع که فرمودند که ای گروه مسلمانان بپرهیزید از زنا
که زنا کار را شش عقوبت میباشد سه در دنیا و سه در آخرت اما عقوبتهای دنیا [illegible]
[illegible] و [illegible] و فقر و [illegible] و اما عقوبتهای آخرت موجب غضب خدا میگردد
و حساب روز قیامت بر او دشوار میشود و در جهنم مخلد میباشد و در حدیث دیگر است از حضرت
امام جعفر صادق ع که فرمودند هرگاه فاش شود چهار چیز ظاهر شود چهار چیز هرگاه فاش
شود زنا ظاهر شود زلزله و هرگاه منع زکات کنند [illegible] و [illegible]
و هرگاه حکام جور و ظلم کنند باران از آسمان قطع شود و هرگاه مسلمانان پیمان خدا را بشکنند

مشرکان بر ایشان ظفر یابند و در حدیث دیگر است از رسول خدا ع که چون زنا بعد از من
در میان امت من بسیار شود مرگ مفاجات بسیار شود و در حدیث قدسی وارد شده است
که حق تعالی میفرماید که برحمت خود قسم یاد کرده ام که ... و دروغ گو [illegible] و [illegible] برحمت من
نخواهد رسید کسی که زناکار باشد و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع
که فرمودند که زناکار و شراب خوار مانند بت پرست کننده [illegible] و در حدیث دیگر است از
آنجناب که فرمودند که بدترین مردم در عذاب روز قیامت مردیست که نطفه خود را
قرار دهد که بر او حرام باشد و در حدیث دیگر است از حضرت امیرالمؤمنین ع که در روز
قیامت [illegible] که [illegible] از منادی [illegible] شوند و [illegible]
را بگیرد پس منادی ندا کند که آیا میشنوید که چه چیز است این بوی بد که همه از آن متاذی شدند
گویند نه گویند که این بوی فرجهای زناکاران است که بی توبه از دنیا رفته اند
[illegible] لعنت کنید زناکاران را که خدا ایشان را لعنت کرده پس هیچ یک از [illegible]
نگوید خداوندا لعنت کن زناکاران را و در حدیث دیگر است از پیغمبر خدا ع که هر که جماع حرام در دبر
زنی جماع کند یا با مردی یا با پسری اعلام کند خدا او را در روز قیامت محشور گرداند از
[illegible] که مردم از او متاذی باشند تا جهنم داخل شود و خدا از او قبول نکند هیچ
عمل را و اعمالش را حبط نماید و او را در تابوتی داخل کند و [illegible] کند او را بمیخهای آهن
بیان تابوت بدوزند و در عذابی باشد که اگر یکی از رگهای او بر چهار صد هزار کس
بگذارند همه بمیرند و از همه کس عذابش بیشتر باشد و [illegible] که زنا کند با زن یهودی یا
نصاری یا مجوسی یا مسلمان [illegible] [illegible] باشد [illegible]
از جهنم بگشاید که [illegible] و [illegible] از آتش در قبر او داخل شوند و بسوزند
تا روز قیامت و چون محشور شود اهل قیامت اذیت کنند فرج او متاذی باشند تا داخل جهنم

[illegible]

[illegible] که جامه [illegible] مست [illegible] ...
باشد و کسی که با زن نامحرمی خوش طبعی کند بدان زن گناه از حرم باشد و اگر حرام او با عیب
ساز و گناه هر دو برابر باشد و کسیکه چشمهای خود را پر کند از دیدن زن نامحرم خدا
قیامت بر چشمانش میخها بدوزد و پر کند چشمهایش را از آتش تا از حساب خلایق فارغ شود
پس بفرماید که او را به جهنم [illegible] در حدیث [illegible] است از حضرت امام جعفر صادق ع که حواریان
در خدمت حضرت عیسی جمع شدند و گفتند که ای معلم خیر ما را ارشاد کن حضرت عیسی
فرمود که حضرت موسی کلیم خدا شما را امر کرده که قسم بدروغ بخدا نخورید و من امر میکنم شما را
که قسم راست بخورید و نه قسم دروغ و موسی امر کرده شما را که زنا مکنید و من شما را امر میکنم
که در خاطر خود هم زنا مکنید چه جای آنکه بجا آورید بدرستیکه کسی که در خاطر خود خیال
زنا را میکند از بیم [illegible] است که در خانه [illegible] آتش بر افروزد و دود آن نقشها
و زینتها را باطل کند هر چند خانه نسوزد پس معلوم شد از جمیع این اخبار [illegible]
حرام و معصیت است [illegible]
[illegible] [illegible] باشد یا جوانان و [illegible] باشد از زنان پیر و مشایخ میباشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] بر ایشان میباشد [illegible] حکم گناه زنا با
[illegible] شوهر دار بوده باشد که گناه او زیاده میباشد و در احادیث [illegible] در حدیث است
از حضرت امام جعفر صادق ع که سه کسند که حق تعالی ایشان را داخل جهنم میکند بی آنکه حساب
ایشان کند حاکمی که در حکم جور و ظلم کند و تاجری که دروغ گوید و پیری که زنا کند و از
حضرت رسول ع روایت که جبرئیل [illegible] [illegible]
[illegible] و قطع کنند رحم و پیر زناکار و در حدیث دیگر است که سه
کسند که خدا در روز قیامت با ایشان سخن نمیگوید و بسوی ایشان نظر نمیکند

و اعمال ایشان را پاکیزه نمیکرداند و ایشان را عذابی خواهد بود [illegible] که زنا کرده باشد

و پادشاهی که جبار باشد و [illegible] که تکبر کرده باشد و در حدیث دیگر است که هر که با زن

شوهر داری زنا کند [illegible]

[illegible]

و در حدیث دیگر است از حضرت امیر المؤمنین [illegible]

[illegible]

دیگر است از حضرت امام جعفر صادق [illegible]

[illegible]

در بیان قسم [illegible]

[illegible]

در بیان قسم [illegible]

[illegible]

در بیان قسم [illegible]

[illegible]

در بیان [illegible]

[illegible]

در کیفیت [illegible] داده شده است [illegible] شود [illegible]

[illegible] باشد [illegible] باشد [illegible] تا آنکه [illegible]

[illegible] طفل [illegible] باشد [illegible] طفل باقی است [illegible]

[illegible] طفل [illegible] است [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

داده باشد [illegible] است [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] باشد [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و از اخبار سابقه و در این فتاوی معلوم شد که زنا [illegible]

[illegible] از حضرت امام رضا [illegible] که هر که بازی [illegible] لواطه کند [illegible]

[illegible] طبقات جهنم [illegible]

[illegible] شیطان [illegible]

[illegible]

[illegible] شیطان دید که [illegible]

[illegible]

[illegible] قوم لوط [illegible]

[illegible]

نکاح داد و دو نفر دیگر را با ... لوط را ایشان را داخل حجره کرد و گفت کاش مرا اهل بیت و عشیره
میبایستم که مرا از شر شما نگاه میداشتند ایشان زور آورده ... در را شکستند و لوط
... داخل خانه شدند پس جبرئیل با لوط گفت ما رسولان پروردگاریم
و ایشان ... بسوی تو ... پس جبرئیل ... کرد ...
... گفت شاهت الوجوه یعنی قبیح باد روهای شما ... اهل شهر کور شدند پس لوط
ایشان ... رسولان پروردگار ... جبرئیل ...
... گفت من حاجتی دارم ...
... ایشان ...

[illegible]

قال اذا ارتب [illegible] ظاهر این جواب [illegible] ان تزوجت [illegible]
[illegible] استقصای [illegible] در مقام بیان معنی [illegible] اگر [illegible]
افاده [illegible] ولکن [illegible] در مقام بیان حکم [illegible]
[illegible] در اطلاق [illegible] استغراق پس بنابراین [illegible] عبارت [illegible]
[illegible] ایقاع [illegible] موجب حرمت [illegible] نکاح [illegible] باشد
[illegible] است [illegible] باشد [illegible] دیگر [illegible] شده است
[illegible] کلام [illegible] ارتب [illegible] این حدیث [illegible] دلالت [illegible]
[illegible] ولکن [illegible] ظاهر است که لفظ [illegible] الفاظ [illegible]
شده است [illegible] مطلقا [illegible] حدیث [illegible] معنی [illegible]
[illegible] حلال [illegible] هیچ [illegible] حلال [illegible]
[illegible] بنابراین [illegible] باشد [illegible] بعد [illegible]
باشد و [illegible] این [illegible] پس [illegible] حلال شده باشد [illegible]
بظاهر حدیث است پس [illegible] حلال باشد [illegible] حدیث [illegible] شده است
از حضرت امام جعفر صادق [illegible] در جواب [illegible] سؤال [illegible]
[illegible] باشد [illegible] باشد [illegible]
[illegible] اتفاقی [illegible]
[illegible] باشد [illegible] حدیث [illegible] ولکن [illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]
دلالت [illegible] صریح است [illegible] باشد [illegible]
[illegible] حدیث [illegible] صحیح است [illegible] مطلب [illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible] در جواب [illegible]

و حلیت [illegible] نکاح [illegible] ولکن [illegible] اینست که نقل ایشان [illegible]
با حادیثی است که در آن احادیث [illegible] ائمه اطهار علیهم السلام [illegible]
حلال [illegible] ولکن [illegible] این احادیث [illegible] نقل [illegible] شده است [illegible]
[illegible] مقام باشد [illegible] پس [illegible] نقل
[illegible] است [illegible] با اقارب [illegible] در اطلاق [illegible]
در این احادیث وارد شده است [illegible] است [illegible] در سابق ذکر شده است
[illegible] الفاظ [illegible] است که ذکر شد [illegible] باشد [illegible]
[illegible] اتفاقی است [illegible] اصل [illegible]
[illegible] هر یک [illegible] هر یک [illegible] است پس [illegible]
این مقام [illegible] یحیی بن [illegible] سعید [illegible] است [illegible] احتیاط [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] در میان [illegible] باشد [illegible]
[illegible] لازم است [illegible] هر یک [illegible] لازم است [illegible]
[illegible] طلاق [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
بیان [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] اولاد [illegible] نکاح بکند [illegible]
[illegible] اولاد اناث [illegible] نکاح بکند [illegible] اولاد [illegible]
[illegible] اولاد اناث [illegible] است [illegible] اولاد [illegible]
با مادر [illegible] بکند [illegible]

عبارت [illegible] احکام معلوم شد باید دانست که [illegible] طرف [illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] فاعل و مفعول [illegible]
بوده باشند [illegible] باشند [illegible] بالغ [illegible]
[illegible]
اما [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] معلوم [illegible] اعلی [illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible] باشد [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible]

کسانی [illegible] قوم لوط [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] مشغول [illegible]
است [illegible] تا [illegible]
[illegible] هر [illegible] این عمل [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible]
است از حضرت امام جعفر [illegible] امام موسی کاظم [illegible]
کرده [illegible] این سؤال [illegible]
[illegible] است تا [illegible]
[illegible]
[illegible] است [illegible] والله [illegible]
[illegible]
[illegible] جماع کرده [illegible] است [illegible]
رسول [illegible] ملعون است [illegible]
ملعون است هر که [illegible] ملعون است هر که جماع کند [illegible]
در حدیث [illegible] است [illegible]
[illegible] جماع کند و کسیکه [illegible] جماع کند [illegible]
[illegible] جماع کند و کسیکه [illegible]
[illegible] و کسیکه [illegible] و کسیکه [illegible]

باشد و زنده نیز ... و وطی کردن با میت در حکم وطی کردن با حیوان است پس هر گاه کسی با زنی مرده
زنا کند چه شوهر داشته باشد و چه نداشته باشد [illegible]
بلکه گناهش بیشتر است و عقوبتش عظیم‌تر [illegible] زن شوهردار است زنا [illegible]
[illegible] کبیره و معاصی عظیم است هر گاه آن زن [illegible] و دوام
بوده باشد و شوهر او هم حاضر بوده باشد و متمکن هم بوده از جماع کردن با آن زن و هر وقت
که خواهد [illegible] در میان آنکه آن زن منکوحه [illegible] بوده باشد یا نه پس هر گاه زن
شوهردار باشد [illegible] عفیفه باشد یا غیر عفیفه یا شوهرش [illegible] باشد و مکن غایب
باشد شوهر از او یا آنکه متمکن نباشد از شوهر از جماع کردن با آن زن [illegible] باشد چنین
زناها [illegible] و لکن هر گاه زن عفیفه باشد ممکن است الحاق کردن [illegible]
[illegible] در میان [illegible] بوده
باشد چنانکه در حدیث است از پیغمبر [illegible] که صاحب [illegible]
قذف کند [illegible] کند در روز قیامت هفتاد هزار ملک
از پیش و از عقب او [illegible] در حدیث دیگر است از حضرت
امام جعفر صادق ع [illegible] یهودی و نصرانی و مجوسی [illegible]
در خلوت نشسته باشد [illegible] و کسی که در مجلس [illegible] نشسته باشد [illegible]
عفیفه قذف کند و کسی که دشنام [illegible] و در حدیث دیگر است از حضرت امام رضا ع
که حق تعالی حرام کرده قذف زنان عفیفه را [illegible]
[illegible]
[illegible]
مرد و زن [illegible] در حدیث

است که هر که نسبت [illegible] حق تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] یا ابن الزانی یا ابن الزانیه [illegible]
انک زان یا ابنتک الزانیه [illegible]
[illegible]
اگر [illegible] باشد [illegible]
[illegible] شراب خوردن است [illegible] ثابت است با جماع [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] احادیث بسیار [illegible]
[illegible] حدیث است [illegible]
حضرت امیرالمؤمنین ع [illegible] شیطان
[illegible] شراب خوردن و [illegible] شیطان است [illegible]
شیطان است [illegible] و هر که شراب
دوست داشت [illegible] حرام شد [illegible]
و دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع [illegible]
[illegible] و در حدیث
دیگر است از آن جناب که [illegible] شراب خوردن [illegible]

که شراب خوردن [illegible] فرمود که [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر است از امام
جعفر صادق ع که [illegible]
است [illegible]
از شراب است و در حدیث دیگر است که شخصی [illegible] امیرالمؤمنین ع گفت [illegible] شراب
خوردن [illegible]
[illegible] شراب خوردن [illegible]
[illegible]
[illegible] در حدیث دیگر است [illegible]
[illegible]
[illegible]
است که رسول خدا ص فرمود که کسی که شراب خورد اگر بیمار شود عیادتش مکنید و اگر بمیرد
بر جنازه‌اش حاضر مشوید [illegible] و اگر [illegible]
با او تزویج مکنید [illegible] و در حدیث دیگر است که رسول خدا ص
فرمود که هر که شراب خورد [illegible]
[illegible] شفاعت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت صادق ع فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible] فرمود که [illegible]
[illegible] فرمود [illegible]
هلاک

هلاک کند [illegible] شراب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] شراب [illegible]
[illegible] شیطان [illegible]
[illegible]
و در حدیث دیگر است از حضرت رسول خدا ص [illegible]
شراب خورده باشد و در حدیث دیگر است از آن جناب که [illegible]
[illegible] از شراب [illegible]
مکنید [illegible] ایمان [illegible]
[illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر است
از آن جناب [illegible] و در حدیث دیگر است که شخصی
عرض کرد به خدمت امام موسی کاظم ع [illegible] شراب [illegible]
چهل روز نماز او [illegible]
[illegible] چهل روز [illegible]
[illegible] چهل روز [illegible]
[illegible] چهل روز [illegible] شراب [illegible]
[illegible] چهل

دن نطق او مغلق و بعد خبائث دیگر منتقل میشود و در حدیث دیگر است که هر که مست
شود از شراب و بعد از آن تا چهل روز بمیرد [illegible]
حدیث دیگر است که شارب الخمر [illegible]
[illegible] العطش و در حدیث دیگر است [illegible]
[illegible]
و در حدیث دیگر است [illegible]

[illegible]

که بو ضیر مغرور شد کایکره سود اگر این اول باد کرید مسائل جاریه را و بعد از ان
مشغول تجارت شوید والله که ربا در این امت خفی تر است از جای پای مورچه بر
روی سنگ سخت [illegible] و در بعضی خبر بد [illegible] تاجر فاجر است و تاجر در جهنم است
مگر کسیکه حق بگیرد و حق بدهد و در حدیث دیگر است که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
معاوضه کردن اجناس را بیکدیگر در وقتیکه ا جناس را [illegible]
بدیگری در وقتیکه احدها را زیاد داشته باشد بدیگری میخواهد آن معاوضه بکند

بوده باشد یا بقیمه یا ثلث [illegible] و گندم و نمک و جو یا هر یک
مثل هم وزنان میباشد [illegible] در حقیقت بوجه حرام است معاوضه کردن احدها را بدیگری
زیاده احدها بر دیگری و مثل اینها است [illegible] معاوضه کردن جو بگندم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
میخواهد معاوضه بکند اهل هر یک را [illegible]

است که گوشت [illegible] هم چنین است [illegible] هر یک میباشند با هم [illegible]
حقیقت [illegible] معاوضه کردن احدها را بدیگری یا تفاضل [illegible] اجناس کوشتها
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و الموفق و المعین

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خواهد بود. و اگر معارضه [illegible] در میان [illegible] تابع [illegible] خواهد [illegible] حال [illegible]
[illegible] را [illegible] خلاف است در [illegible] که [illegible]
[illegible] است [illegible]
در [illegible] با [illegible] معارضه [illegible]
[illegible]
[illegible] احتیاط است [illegible] زیادتی [illegible]
است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] گندم [illegible]
گندم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

و نیز در میان اکثر با مال او [illegible] باشند باشد و لکن احوط اکتفا کردن بصورت [illegible] است
در صورت وقوع و درباره میان مسلم و ذمی الحل خلاف است که هست یا نیست مشهور میان
علما اینست که هست و حرام است هم گرفتن از ایشان و هم دادن بایشان و اول احوط [illegible] اقوی است
هرگاه بخواهد مسلم زیاده از ذمی بگیرد و اما هرگاه بخواهد ذمی [illegible] بگیرد بیان حرام است اجماعاً عقلاً
و نقلاً [illegible] و در میان آنکه [illegible] باشد در بلاد اسلام
با آنکه کوچ کرده باشد از آن [illegible] در بعد معاملات پس هرچه از این قبیل چیزها بوده باشد
زیاده [illegible] طریق حرام نیست و لکن مکروه است [illegible] ششم در میان
قسمت است چرا که قسمت از قبیل بیع نیست و از سایر معاوضات نیز صحیح است و در هر چه [illegible]
[illegible] با قسمت کردن بطریق تفاضل و تساوی پس هرگاه بخواهند قسمت بکنند در میان
[illegible]
مال [illegible] صحیح است [illegible]
[illegible] از این مقامات [illegible] که جایز است از برای [illegible]
[illegible] و جایز نیست [illegible] تصرف کردن [illegible] تصرف کردن [illegible]
تصرف کردن [illegible]
با مال [illegible] هرچند [illegible] کرده باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] باشد [illegible] و صحیح باشد از برای [illegible] مطالبه [illegible]
و تقاص کردن [illegible]
[illegible] شرعاً مطالبه کرده و تقاص کردن [illegible]
اشکال است [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

جات [illegible] کنند [illegible] یکی از جمله [illegible]
اول اینست که اگر کسی بخواهد بکنی گندم را [illegible] یک من نیم گندم مثلاً [illegible]
[illegible] یک من گندم یک چیز دیگر [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد یا نباشد و بعد از آن [illegible] کند [illegible]
[illegible] مثلاً [illegible]
[illegible]
باشد [illegible] مقابل [illegible] کفایت میکند [illegible]
دوم اینست که [illegible] صاحب یک من گندم که بایع است [illegible]
صاحب یک من نیم که مشتری است [illegible]
[illegible] یک من نیم گندم سیم اینست که صاحب یک من گندم [illegible]
[illegible] صاحب یک من [illegible]
اینست که [illegible] یک من گندم [illegible] صاحب یک من نیم [illegible]
[illegible] صاحب یک من [illegible]
و [illegible] پنجم اینست که [illegible]
[illegible] اینست که [illegible] گندم است مثلاً [illegible]
[illegible] بایع [illegible] یک گندم [illegible]
[illegible] گندم [illegible]
[illegible] ششم [illegible]
[illegible] هفتم اینست که اگر شخصی
[illegible]

[illegible] باشد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صحیح است
[illegible]
که تمام این صور [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] باطل باشد و لکن [illegible]
[illegible] صحیح است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صحیح [illegible] باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] صحیح باشد [illegible]
مال یتیم است [illegible]
[illegible]
[illegible] مال یتیم است [illegible]
[illegible]

[illegible] مال یتیم [illegible] حدیث است [illegible]
[illegible] امام [illegible]
[illegible]
[illegible] مال یتیم [illegible]
[illegible] مال یتیم [illegible]
[illegible]
[illegible] مال یتیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
[illegible] مال یتیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مال الیتیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
الله و سلامه علیهم اجمعین آمین یا رب العالمین [illegible] احکام [illegible]
[illegible]

در بیان مفاسد عقوبات اکید است [illegible] عاق شدن پدر و مادر

بدانکه از جمله عقوبات اکیده و کبایر عظیمه مرتکب شدن این معصیت عقوق است و در احادیث معتبره
بسیاری منقول است که رسول خدا ص فرمود که بوی بهشت از پانصد ساله راه می‌آید و عاق پدر
و مادر و قطع رحم آن بو را نمی‌شنود و در حدیث دیگر است که سه کس‌اند که حق تعالی روز قیامت نظر
رحمت بسوی ایشان نمیکند کسیکه عاق پدر و مادر باشد و کسیکه [illegible]
کند [illegible] و کسیکه معتاد بشراب باشد و در حدیث دیگر است که سه گناه است که عقوبت آن
در دنیا میشود و باخرت نمی‌ماند عقوق پدر و مادر و ظلم بر مردم و کفران احسان و در
حدیث معتبر دیگر است که رسول خدا ص بعیادت جوانی رفتند دیدند که در حالت نزع است فرمود
بگو لا اله الا الله و آن جوان زبانش بند شده بود نتوانست بگوید آن حضرت فرمود و او نتوانست
گفت پس حضرت فرمود بزنیکه بر بالای سر او نشسته بود که آیا این جوان مادری دارد گفت بلی
من مادر اویم فرمود که آیا در خشمی از او گفت بلی شش سال است که با او سخن نگفته‌ام فرمود
که راضی شو از او گفت که خدا از تو راضی باشد و راضی شدم ببرکت رضای تو یا رسول الله
پس حضرت رو بان جوان کرد و گفت بگو لا اله الا الله آن جوان گفت پس حضرت
فرمود که چه میبینی گفت میبینم مرد سیاه زشت روی بد بوی که جامه‌های چرکین پوشیده و
نزد من آمده است [illegible] فرمود که بگو یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل
منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم و آن جوان گفت آنحضرت فرمود که الحال نظر کن
چه میبینی گفت میبینم مرد سفید روی خوشبوی نیکو روی که جامه‌های نیکو پوشیده و نزد من
آمده و آن مرد سیاه را میبینم پشت کرده میرود فرمود که باز آن دعا را اعاده کن
آن جوان اعاده کرد فرمود که چه میبینی گفت نمی‌بینم آن سیاه را و آن سفید را میبینم که نزد
من آمده پس بر این حالت از دنیا رحلت نمود و در حدیث دیگر است از حضرت امام
[illegible]

عهد با فریب که در میان بنی اسرائیل عابدی بود که او را جریح میگفتند و پیوسته مشغول عبادت
مشغول بود روزی مادرش آمد و او را طلبید و او مشغول نماز بود جواب نگفت و باز
آمد و سخن نگفت پس مادرش برگشت و میگفت که از خدای بنی اسرائیل میخواهم که تو را خوار کند
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
شیعه [illegible] حضرت امام جعفر صادق ع [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حضرت رسول ص [illegible] یا رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

از گناهان بیرون میآئی مانند روزیکه از مادر متولد شده گفت یا رسول الله مادر و پدر
دارم [illegible]
و مادر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
امام جعفر صادق ع که فرمود [illegible]
نیکوکار

نیکوکار و بدکار [illegible] نیکی و بدکار [illegible]
با پدر و مادر نیکوکار و بدکار در حدیث دیگر است که نیکی کردن با پدر و مادر علامت
حسن اعتقاد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
از حضرت امام جعفر صادق ع که دعای سه کس است که از خدا محجوب نمیگردد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

که نظر کند از روی رحمت بسوی پدر و مادر هیچ فرزندی نیست مگر آنکه [illegible] گفتند یا
رسول الله اگر چه هر روز صد مرتبه نظر کند فرمود خدا از آن بزرگتر است و در حدیث دیگر است
که فرمود که نظر کردن عبادت است و نظر کردن بسوی امام عادل عبادت است و نظر کردن بسوی
پدر و مادر از روی مهربانی و شفقت عبادت است و نظر کردن بسوی برادری که برای خدا با او
دوستی کند عبادت است و در حدیث دیگر است که [illegible] با ابوذر
نشسته بودیم ناگاه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و از ما گذشت [illegible]
[illegible] چون حضرت [illegible] نظر بجانب آن حضرت کرد [illegible]
بودم که [illegible] که نظر کردن بسوی علی بن ابی طالب عبادت است و در حدیث دیگر است از حضرت امام
[illegible] که [illegible] امر کرده است [illegible] امر کرده [illegible]
نماز کند [illegible] شکر کن مرا و پدر و مادر خود را [illegible]
[illegible] و امر کرده است [illegible] که [illegible]
و صله رحم کردن [illegible] و در حدیث دیگر
است که شخصی از پیغمبر پرسید که کدام عمل نزد حق تعالی محبوب تر است فرمود نماز [illegible]
[illegible] پرسید که بعد از آن کدام عمل محبوب تر است فرمود که احسان کردن به پدر و مادر
پرسید که بعد از آن کدام عمل افضل است فرمود که جهاد کردن در راه خدا و در حدیث دیگر است
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام [illegible] که [illegible] ترک [illegible]
صله و احسان کند [illegible] نیکی کند با پدر و مادر [illegible]
[illegible]
که خدا [illegible] و در حدیث دیگر است از حضرت امام محمد

باقر علیه السلام که فرمود نیکی کردن با پدر و مادر و صله رحم کردن [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر است از ابراهیم بن شعیب
روایت کرده که [illegible] حضرت امام جعفر صادق علیه السلام [illegible] و ضعیف شده است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر است که شخصی [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله [illegible]
[illegible] که [illegible]
است [illegible] و در حدیث
[illegible] دیگر است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که چهار خصلت است که در هر که باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] باشد و کسیکه [illegible]
پدر و مادر کند و با ایشان [illegible] و احسان کند [illegible] و کسیکه [illegible]
[illegible]
باشد [illegible] پس معلوم شد از این اخبار [illegible]
[illegible] که [illegible] کردن [illegible] و نیکی کردن با ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] الاثنا عشریه [illegible]

[illegible] در اختلاف مدارج [illegible] اولاد و امهات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] باید دانست که [illegible] حقوق
[illegible] حقوق اولاد [illegible] است که [illegible]
[illegible] اولاد [illegible]
[illegible] در [illegible]
[illegible] اول ارباب [illegible]

[illegible] غیبت کردن است بدانکه غیبت کردن از گناهان کبیره است [illegible]
[illegible] کنند از عمل زنا [illegible]
است از پیغمبر خدا [illegible] که غیبت بدتر از زنا است زیرا که زناکار توبه میکند و خدا توبه او را
قبول میکند و غیبت کننده را توبه او مقبول نیست تا آن شخص او را حلال کند و در حدیث
دیگر است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر که غیبت کند برادر مؤمن خود را [illegible]
در میان ایشان باشد شیطان [illegible] و در حدیث دیگر است
که هر که در حق برادر مؤمن خود بگوید [illegible] باشد از [illegible]
که حق تعالی [illegible] کسانی که [illegible] گناهان بد در مؤمنان
ایشان را است عذاب دردناک در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر است که هر که غیبت کند [illegible]
روزه و وضوی او باطل شود و در روز قیامت [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد و اگر [illegible] چیزی را که خدا حرام کرده
است و در حدیث دیگر است که شخصی نزد حضرت امام زین العابدین علیه السلام غیبت کرد [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] غیبت [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر است از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله که هر که کسی را رسوا کند
در گناهی چنان است که آن گناه را خود کرده است و هر که مؤمنی را سرزنش کند از دنیا
نرود تا آنکه خود بکند و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر که
نقل بکند [illegible] از برای آنکه عیب او را ظاهر کند [illegible]
[illegible] از [illegible] بیرون کند و در [illegible]

و باری شیطان داخل کند و در حدیث دیگر است از پیغمبر صلی الله علیه و آله
که غیبت مسلمان [illegible] ایمان [illegible] بدن [illegible] است [illegible] مسلمان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] که هر که [illegible] حرام کند [illegible] اگر چه [illegible]
در میان [illegible] کرده باشد و در حدیث دیگر است از حضرت امام علی بن الحسین [illegible]
[illegible] از [illegible] در [illegible] مسلمانان [illegible] کنا [illegible]
حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق [illegible] که [illegible] خود [illegible] کند هر که غایب
باشد [illegible] بگوید [illegible] غایبانه [illegible] کنند و در حدیث دیگر است
از [illegible] که هر که [illegible] که گناهی [illegible]
که گناهی کرده است [illegible] اهل [illegible] است [illegible]
گناه کرده باشد و هر که غیبت کند [illegible] که در او باشد [illegible]
[illegible] شیطان داخل است و [illegible]
[illegible] از [illegible] که هر که غیبت کند [illegible] که در او باشد [illegible]
[illegible] که در او باشد [illegible]
[illegible] غیبت [illegible] باشد و در حدیث دیگر است که [illegible]
[illegible] امام موسی کاظم [illegible] چیزی [illegible]
[illegible] میکند [illegible] اگر [illegible] این چیز [illegible]
[illegible] کن [illegible]
[illegible] اگر [illegible]
[illegible] کن [illegible] چیزی [illegible] که موجب [illegible]
باشد پس معلوم شد از این اخبار [illegible] که غیبت کردن حرام است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] با مال خود یا بعضی از اولاد خود بوده باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] غیبت [illegible]

[illegible]

[illegible] غیبت [illegible]

[illegible]

بیان علاج [illegible] غیبت و [illegible]

[illegible]

[illegible] یاد خدا باشد و بر گناهان خود بگرید و مردم از شر او ایمن باشند [illegible]

از برای این [illegible] غیبت که از اعظم مهلکات [illegible]

[illegible]

[illegible] شخص آزرده [illegible] کسی و بروی خشم گیرد و او حاضر نباشد پس برای وقت

مقتضای طبع زیاده غضب [illegible] خود را [illegible]

عداوت و کینه است که با کسی [illegible] دشمنی و عداوت [illegible]

[illegible] حسد است [illegible]

[illegible]

چنانکه در حضور [illegible]

پس هر کس که اراده دارد [illegible] فضل خود را و کمالات خود را [illegible]

[illegible]

[illegible] هشتم [illegible]

[illegible]

[illegible] نهم آنست که شخصی [illegible]

[illegible] رضای حق تعالی اظهار غضب خود [illegible] در پیش خلق و نام آن شخص و معصیت

او را ذکر میکند [illegible]

[illegible]

رفع تهمت از خود [illegible]

[illegible] اسباب [illegible]

امرى منوط ... كه ... خواهد شد ... [illegible]

اعدائه الله تعالى ... [illegible] ... اضطرار ...

در اعتبار ... [illegible]

را دشمن خود ... دشمن او خواهد بود ... معلوم است كه

این عمل ... [illegible] ... خواست ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



بجهت خداوند عالم ... ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا ... كتب ظالم تر از آن

... استفهام انكارى ... [illegible]

چنين كسى ظالم ... [illegible]

واين معنى ... [illegible]

[illegible]

فرا نمايد الذين يفترون على الله ... [illegible]

ايشان سياه خواهد بود ... [illegible]

حضرت امام جعفر صادق ... [illegible]

بايشان ... [illegible] ... باطل است ...

... عليهم السلام ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... عليهم السلام

و در حديث صحيح است از حضرت امام ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هلاك ... [illegible] ... ديگر ... حضرت امام جعفر ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پس ... [illegible] ... معلوم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هالك و باشد هلاك كند ديگر آنكه نفرموده است و در حديث ديگر است از حضرت امام جعفر ع
كه فرمودند من حكم [illegible] بغير ما انزل الله [illegible] كتاب الله و ضلالت [illegible]
بكرامات و ضلالت فتوى كه گفته است [illegible] عدم علم [illegible] اينكه جاهل باشد يا نادان
جاهلى كه فتوى گفته [illegible] شود كه خطا گفته [illegible] كه گفتن اخبار است
از جانب خلاف اسماء [illegible] و افترا [illegible] العياذ بالله [illegible]
بواقع كذب است [illegible] عالم جل شأنه و منع كذب در هر جا ظاهر است خصوصاً كذب بر خدا و [illegible]

همچنين معلوم شد كه مفاسد [illegible] افتى [illegible]

سه قسم از اقسام در جهنم خواهند بود و يك قسم در بهشت بعد از آن بيان فرمودند سه قسم را كه معلق است
در جهنم خواهند بود اول آنست كه حكم ميكند بجور و بباطل و ميداند كه حكم او بجور و بباطل است
دوم آنست كه حكم بجور و بباطل ميكند ولكن نميداند كه حكم او بجور و بباطل است سيم آنست كه حكم
بحق ميكند لكن نميداند كه حكم او بحق است لكن اتفاقى افتاده است كه مطابق با حق بوده
كل اين سه قسم را فرمودند كه در جهنم خواهند بود اما قسم چهارم كه ناجى و در بهشت خواهند
بود كسانى است كه حكم بحق ميكنند و ميدانند كه حكم او بحق است [illegible]
و اين حديث اگرچه در قاضى وارد شده است لكن فرقى در ما بين مفتى و قاضى نيست [illegible]
بين حرمت و اثم در هر دو مقام ثابت است پس فتوى و حكم از كسيكه جميع شرايط فتوى نبوده
باشد حرام و موجب عقاب است و لكن مخفى نماند كه حكم اسوء حالا و اسوء مفسده است
از فتوى باين معنى كه كسيكه متصدى حكم و رافع [illegible] بين الناس شود و جميع شرايط آن نباشد
مفسده [illegible] در بيان احاديث جل شأنه است ميباشد از مفتى و [illegible]
شرايط فتوى نبوده باشد و دليل بر اين از عقل و نقل ثابت است اما عقل پس واضح است
چرا كه حكم كردن در بردارد اخذ اموال مردم را [illegible]
بر خلاف واقع كه مفسده آن اقل است پس حكم بر خلاف واقع مفسده [illegible] از مفسده
در فتوى بر خلاف واقع و اما نقل پس [illegible] در موضع بسيار مذمت فرموده اند كسانى را كه حكم
بغير ما انزل الله ميكنند [illegible] سه آيه است كه نازل شده است كه در [illegible] سوره مباركه
مائده [illegible] و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون و در آيه ديگر
و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون و در آيه سيم [illegible] و من لم يحكم بما انزل
الله فاولئك هم الفاسقون مفاد هر سه آيه اين است كه هر كس حكم نكند بآنچه نازل شده
است از خداوند عالم [illegible] از آن پس چنين كسى هم كافر و هم ظالم و هم فاسق

خواهد بود پس چه خواهد بود حال كسيكه حكم بكند و حكم بغير ما انزل الله تعالى بكند و معلوم
است كه حال چنين شخصى [illegible] ميباشد [illegible] معلوم شد كه صاحب [illegible]
خواهد بود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
اقل آنست كه هر گاه حكم بغير ما انزل الله در جائيكه موجب [illegible]
اشد [illegible] ميباشد از حكم بغير ما انزل الله تعالى در جائيكه موجب غضب [illegible]
باشد و در جائيكه حكم بغير ما انزل الله تعالى موجب [illegible] باشد [illegible]
خلاف عالم جل جلاله و عظم شأنه [illegible]
ما انزل الله كه موجب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
باشد كه [illegible] باطل است [illegible]
[illegible]
[illegible]
حديث صحيح وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق ع كه كسيكه حكم بكند [illegible]
[illegible] است از جانب خداوند عالم جل جلاله [illegible]
عالم جل شأنه و در حديث ديگر است از محمد بن مسلم كه گفت [illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر صادق ع و حضرت امام محمد باقر ع [illegible]
[illegible]

از [illegible] فرموده اند [illegible]
سئوال فرمودند كه [illegible] عرض كردم كه خداوند عالم [illegible]
[illegible] اتفاق [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] خداوند عالم [illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر صادق ع
كه فرمودند [illegible]
عالم [illegible] و در حديث ديگر است از حضرت امير المؤمنين ع كه خطاب فرمودند
[illegible]
[illegible]
[illegible] و در حديث ديگر است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و كذلك خواهد بود بجناب سيد المرسلين عليه و على آله [illegible] رب العالمين [illegible]

[illegible] از شيخ كسيكه [illegible]
[illegible] شرايط فتوى
نبوده باشد

در بیان عتاب مطلق دروغ گفتن است

[illegible]

... مطلق دروغ گفتن است ... دروغ ...

... و از حضرت امام ... دروغ اجتناب نمایند که دروغ از ... ایمان ...

حدیث دیگر است از حضرت امام محمد باقر ... که دروغ باعث خرابی ایمان است

... حدیث دیگر است ... مقرر فرموده ...

... دروغ ... و حدیث دیگر است از حضرت امیر المؤمنین علیهما السلام ...

[illegible]

در عوض این مطلب کاذب خواهد بود ...
... شخص باشد که در حضور ...
... باشد و بد دروغ گویی مشغول باشد و
بدانند که ... میدانند که او کاذب است ...
... و قباحت ...
...
...
...

و بدان که از جمله دروغهائی که ...
...
...
...

[illegible]

[illegible]

طالب و شاد می‌شوند از یاد کردن عیوب و رسوائیهای ایشان آنانند که ایمان ندارند به خدا و به آخرت و برای ایشان
است عذابی دردناک و در حدیث دیگر است که پرسیدند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
از قصه خوانان که آیا گوش دادن به ایشان حلال است فرمود که نه حلال نیست و فرمود که
هر کس که گوش بدهد به ناطقی که سخن میگوید او را پرستیده است اگر ناطق از جانب حق گوید
حق را است سخن گوید او گوش کننده خدا را پرستیده است و اگر از شیطان سخن گوید بعضی
سخنان دروغ و باطل گوید او گوش کننده شیطان را پرستیده است [illegible]
[illegible] است [illegible] بدعت [illegible]
اطهار علیهم السلام وارد شده است [illegible]
[illegible] است و در حدیث معتبر دیگر است که [illegible] از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
[illegible] فرمود [illegible] صاحب بدعت [illegible]
[illegible] نقل کند [illegible]
[illegible] و در حدیث صحیح دیگر است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که
[illegible] است [illegible] امام [illegible] فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible] در حدیث صحیح دیگر است که [illegible] پرسیدند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و در حدیث
[illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود [illegible]

در بیان مفاسد [illegible]

هیهات [illegible] غنا [illegible] حرام [illegible]
عبارات سهل است که جمعی از اکابر علما نقل اجماع کرده‌اند بر حرمت آن و ظاهر بسیاری از اخبار
و احادیث معتبره است [illegible] از ائمه اطهار علیهم السلام
[illegible] ان شاء الله [illegible]
[illegible] ان شاء الله [illegible] در حدیث است از پیغمبر صلی الله علیه و آله که
غنا [illegible] است [illegible] در حدیث دیگر است از آنجناب که
[illegible] شیطان [illegible] آدم [illegible]
[illegible] شیطان [illegible]
[illegible] در حدیث
[illegible] از آنجناب [illegible]
[illegible]
[illegible] در حدیث دیگر است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که [illegible] تفسیر
این آیه فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور [illegible]
[illegible]
و در حدیث دیگر است [illegible]

[illegible]
و بدان که [illegible] پیغمبر [illegible]
[illegible] رسول الله
و در حدیث [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
است از پیغمبر [illegible] و در حدیث دیگر
و بیان کند [illegible]
[illegible] ملعون است

و فرمود که از جمله قول زور آنست که شخصی که پیش تو غنا میکند بگوید احسنت یعنی خوب
خواندی و در حدیث صحیح و حسن وارد شده است از آنجناب که آیا کسی که [illegible] بیع [illegible]
[illegible] فرمود قول زور یعنی گفتار باطل مراد از آن قول زور غنا است
و در حدیث دیگر است از آنجناب که فرمودند مجلس غنا مجلسی است که خدا نظر رحمت
بسوی اهل آن نمیکند و غنا از آنهاست که خدا فرموده که و من الناس من یشتری لهو الحدیث و در
حدیث دیگر است که فرمود آنجناب که خانه که در آن غنا میکنند ایمن نیست از مصیبت دردناک
و دعا در آن مستجاب نمیشود و ملک داخل آن خانه نمیشود [illegible] و در حدیث
دیگر است از آنجناب که غنا میراث نفاق است و باعث فقر میشود پس معلوم شد که غنا [illegible]
غنا خواندن و شنیدن [illegible] بیان است [illegible] بیان میکند [illegible]
که از آن [illegible] نکند پس حکم است تعلیم کردن آن و تعلیم گرفتن آن [illegible]
دادن آن [illegible] و گرفتن آن [illegible] از هر کس که [illegible] باشد و در حدیث
است از حضرت امام جعفر صادق ع که از آن حضرت پرسیدند که [illegible] کنیزان غناکننده
[illegible] فرمودند که خریدن ایشان و فروختن ایشان و تعلیم کردن ایشان کفر است
و [illegible] ایشان نفاق است و در حدیث دیگر است از آنجناب که فرمودند
[illegible] است [illegible] و در حدیث دیگر است از حضرت
امام زین العابدین که پرسیدند از شنیدن غنا حضرت فرمودند که اهل حجاز جایز میدانند
و آن باطل و لهو است نشنیده که حق تعالی میفرماید در جمیع جاها [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر است که شخصی پرسید از حضرت
امام رضا ع که فلان کس از شما نقل میکند که شما رخصت فرموده اید در شنیدن غنا حضرت
فرمودند که دروغ میگوید [illegible] از من پرسید من با او گفتم [illegible] از برای
او

او که شخصی از حضرت امام محمد باقر ع سؤال نمود از غنا حضرت فرمودند که اگر حق و باطل [illegible]
شود در کدام طرف خواهد بود آن شخص گفت در طرف باطل فرمود که درست حکم کردی و در حدیث
دیگر است که شنیدن غنا [illegible] باشد نفاق را چنانکه آب گیاه را [illegible]
حدیث دیگر است از حضرت امیرالمؤمنین ع که بسیار کردن [illegible] غنا باعث [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر است از حضرت امام رضا ع که [illegible] نفس [illegible] از غنا
[illegible] در بهشت [illegible] که [illegible] بادها را میفرماید که [illegible] بهشت
حرکت دهند پس از آن صداهای [illegible] خواهند شنید که هرگز نشنیده باشند و کسی که غنا
شنیده باشد از آن خواهد شنید و در حدیث صحیح است که شخصی از حضرت امام جعفر صادق ع [illegible]
که [illegible] بادهای بهشت [illegible] میفرماید که [illegible] و درخت [illegible]
خلایق [illegible] شنیده باشند و بعد از آن فرمودند که [illegible]
[illegible] که ترک شنیدن غنا در دنیا از ترس خدا کرده باشند و در حدیث صحیح دیگر است که شخصی
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق ع که [illegible] من داخل بیت الخلاء میشوم و
[illegible] که ایشان کنیزان دارند که غنا میکنند [illegible] بسیار طول میدهم که
نشستن را [illegible] از ایشان حضرت فرمودند که [illegible] که بیاید
[illegible] شنید [illegible] حضرت [illegible] نشنیده که
خدا میفرماید که ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا [illegible]
از هر [illegible] ایشان سؤال خواهند کرد [illegible] که [illegible] شنیده بودم [illegible]
و بعد از آن [illegible] استغفار میکنم حضرت فرمودند که [illegible]
[illegible] حال تو [illegible]

[illegible] و از خدا بطلب که توبه ات را قبول کند و توبه کن از جمیع بدیها و از هر چه خدا
[illegible] است [illegible] باطل [illegible] که آن فعل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] پس در این [illegible]
[illegible] باشد و در حدیث خواندن [illegible]
[illegible] باطل [illegible] کردن [illegible]
زنان [illegible] داخل [illegible] نشوند [illegible]
[illegible] است و [illegible] که برای هیچ یک نیست [illegible]
[illegible] و مطلقات [illegible]
[illegible] علاوه [illegible]
[illegible] اول [illegible] ابن [illegible]
[illegible] که غنا باطل [illegible]
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق ع [illegible]
[illegible] داخل [illegible]
[illegible] آنجناب [illegible] آن [illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
[illegible] حدیث صحیح [illegible]
[illegible] از آنجناب [illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
[illegible] حدیث [illegible]

[illegible] غنا [illegible] خواندن [illegible]
[illegible] اول [illegible] از [illegible]
[illegible] از آن [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] از [illegible]
[illegible] که [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] بود [illegible] غنا [illegible] پس [illegible]
[illegible] خواهد [illegible] باشد [illegible]
از حضرت امام جعفر صادق ع [illegible]
[illegible]
این حال [illegible] جمیع [illegible]
غنا است پس [illegible] باشد [illegible] ایشان [illegible]
باشد چنانکه [illegible] است [illegible]
علاوه [illegible] مطلقات [illegible]
[illegible] قول [illegible] است [illegible]
[illegible] صوت [illegible] قرآن [illegible] حدیث [illegible]
[illegible] دوم [illegible]
[illegible] وارد شده است از حضرت امام جعفر [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] حسن صوت
[illegible] حدیث دیگر است [illegible]

درمقابل حق پس باطل است پس این نیز قلیل غناء و هرچند که قراءت میکنی تو آنرا

پس [illegible] احادیث که دلالت میکند بر بطلان ترجیع در قراءت

مثل حدیثی که وارد شده است از حضرت [illegible]

[illegible]

در هرجا غنای فی حد ذاته مباح باشد هرگاه خالی هم [illegible] معاصی [illegible]

باختلاف در جات ناس [illegible] از صاحبان [illegible] باشد [illegible]

غنا [illegible] مثل سایر [illegible]

پس [illegible]

[illegible]

هو المؤمن طلب

[illegible]

در زمینها دوم و مشغول خوانندگی و سازها [illegible] پس چون صدای آن را شنیدند از طرب و شوق
از جا [illegible] [illegible]
[illegible]

[illegible] شطرنج است و [illegible] از شطرنج است و اما شطرنج [illegible]
نگاه داشتن آن کفر است و بازی کردن آن شرک است و یاد دادن [illegible]
و سلام کردن بر کسی که بازی کند [illegible]
[illegible]

دیگر [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سفیانی و پادشاه دین مبین و مهتر و بهتر اوصیای پیغمبران و پیوسته آنحضرت را میبود
شناعتش میشود پس حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما با او بیرون رفتند
و از او گذشته بخدمت پدر بزرگوار خود رفتند و حال آن اسود را عرض رسانیدند پس
حضرت کسی بطلب او فرستاد و چون حاضر شد فرمود که دست تو را بریدم و ترا مدح میکنی
اسود گفت یا امیر المؤمنین تو مرا از گناه پاک کردی و [illegible]
من انجمناست اگر مرا ریزه ریزه کنی محبت تو از دل من بیرون نمیرود پس او را [illegible]
و دست بریده او را بجای خود گذاشت و باعجاز آنحضرت دستش درست شد [illegible]
و مرویست از حضرت امام محمد باقر که حضرت امیر المؤمنین میفرمود که هرگاه شخصی دزدی کند دست
راستش بریده شود و اگر بار دیگر دزدی کند پای چپش را ببرند و اگر مرتبه دیگر دزدی کند او را
حبس کنند و پای راستش را [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
چهار انگشتش ببرند و انگشت [illegible]
[illegible]
[illegible]

عن [illegible]

حوز را بدهند و کسیکه [illegible] باشند [illegible] واجب شده باشد [illegible]

[illegible] ساحر بود [illegible] عیسی بن [illegible]

جادو [illegible]

[illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible]

[illegible] مردم ساحر [illegible] جادو [illegible]

[illegible] حق تعالی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از خلاصی ندارد دست خود را بجان آن اژدها دهد پس آن اژدها دست او را بخاید

[illegible]

ذکوة انها را بدهد ... [illegible]

و در بعضی از اخبار وارد شده است که چون حضرت صاحب الامر ظهور کند ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... است ... [illegible]

از شده باشد و سلطان ... [illegible] ... باشد ... [illegible]

... و صحیح و ... [illegible] ... در حدیث ... [illegible]

... [illegible] ... حضرت امام جعفر ... [illegible]

... حضرت امیرالمؤمنین ... [illegible] ... خانه کعبه ... [illegible]

... در حدیث دیگر است که حضرت امام جعفر صادق ... [illegible]

... [illegible] ... و در حدیث دیگر است از آنحضرت که اگر مردم ... [illegible] ... خانه کعبه ... [illegible]

اگر زیارت ... [illegible] ... آنحضرت ... [illegible]

... و در حدیث دیگر است از آنحضرت که اگر مردم حج را معطل کذارند بر امام ... [illegible]

است که ... [illegible] ... خانه کعبه را ... [illegible]

بسیار از حضرت امام جعفر صادق منقول است که چون حضرت رسول صلعم در حج الوداع ... [illegible]

کردند ... [illegible] ... آنحضرت ... و گفت یا رسول الله ... [illegible]

... [illegible] ... جهاد ... [illegible]

است و در زمان حضور امام ... واجب ... [illegible] ... جهاد کنند و در زمان

غیبت امام جهاد ... [illegible] ... شیعیان ... [illegible]

... [illegible] ... واجب است که جهاد کنند ... [illegible]

... [illegible] ... شهید ... [illegible]

... [illegible] ... و در حدیث دیگر است از حضرت

امام جعفر صادق ... [illegible] ... جهاد کنند ... [illegible]

... [illegible] ... جهاد کرده اند ... [illegible]

... [illegible] ... پس نمود که هر که ترک جهاد کند حق تعالی بپوشاند باو لباس مذلت ... [illegible]

و باطل شدن دین را و درستی که حق تعالی ... [illegible] ... سم اسبان ایشان و سنان نیزهای

ایشان و در حدیث دیگر است ... [illegible] ... حضرت امیرالمؤمنین ... [illegible]

... [illegible] ... آنحضرت ... [illegible]

... [illegible] ... جهاد کردن ... [illegible] ... درهای بهشت که حق تعالی برای ... [illegible]

دوستان ... [illegible] ... جهاد ... [illegible]

... [illegible] ... حق تعالی ... [illegible]

... [illegible] ... جهاد ... [illegible]

... [illegible] ... که هر گروهی ... [illegible]

... [illegible] ... و انا لله و انا الیه راجعون ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... جهاد ... [illegible] ... امیرالمؤمنین ... [illegible]

... [illegible]

حرمت است در حال اختیار [illegible]

[illegible] باشد [illegible] ما الحرام است [illegible]

[illegible] انتقالات [illegible]

[illegible] امام جعفر صادق [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حق تعالی [illegible]

[illegible]

[illegible] شیعیان [illegible]

[illegible] حاجت [illegible] المؤمنین [illegible]

[illegible] حرام است [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] امام جعفر [illegible]

[illegible] هارون الرشید [illegible]

[illegible]

۹۹

هو الموفق والمعین

هو الموفق والمعین

هو الموفق المعین

علاوه بر آن میگوییم که منصب این اجاره [illegible] در تصحیح [illegible] اعمال ایام خصوص
سلاطین این اعصار که [illegible] ظلم [illegible] و موجود [illegible] میرسد بدین در بیان
[illegible] در شهور [illegible] اعمال [illegible] که مشهور بوده [illegible]
و شرب [illegible] امیر المومنین و [illegible] اهل بیت علیهم السلام [illegible]
حکم [illegible] است که [illegible] اسب [illegible] و [illegible]
جامعه [illegible] و علاوه بر آن میگوییم که این اجاره [illegible] سلاطین [illegible]
اعصار [illegible] اعمال [illegible] سلاطین این اعصار [illegible]
باشند [illegible] میگوییم [illegible]
[illegible]

[illegible]

مقدمه [illegible]

[illegible]

از اصحاب کرام [illegible]
[illegible] در باب [illegible]
[illegible] در [illegible]
[illegible]

[illegible]

اختصاص کردن [illegible] است — منع کردن از جهاد واجب

اسپارزن در بلاد کفر است با تنگی [illegible] — دره گذشتن [illegible]

ارزان است — ارتیت کردن [illegible] رسول خدا [illegible]

است — نقض کردن عهدی است که با خداوند [illegible]

باشد — لعن کردن [illegible] است — کتمان کردن حق است

منع کردن مساجد است خداوند عالم است از یاد کردن [illegible] — سعی کردن در خراب [illegible]

است — [illegible] رسول [illegible] است

قربت کردن [illegible] — [illegible] از برای خدا [illegible]

عالم — [illegible] کردن آیات خداوند عالم است — [illegible]

عالم است — ابطال کردن آیات خداوند [illegible] است [illegible] از آنها

و عمل [illegible] که کردن هر یک از این معاصی [illegible] است آیات [illegible]

شامل است [illegible] که ذکر شده است [illegible]

آیات که [illegible] نقل اخبار [illegible] علم [illegible]

[illegible] — استخفاف کردن حج است

[illegible] جمع [illegible] در شریعت

[illegible] — منع کردن [illegible] باشد و صاحب [illegible] باشند

نکث کردن صفقه است یعنی شکستن عهد و پیمان [illegible]

نقض عهدی که با [illegible] شده باشد — هتک کردن حرمت

حرم رسول خدا و مدینه منوره است — قطع کردن عضوی است از اعضای [illegible]

حرز [illegible] — [illegible] — خلف کردن

و [illegible] است [illegible] حرام باشند مخالفت کردن [illegible] — [illegible] حرام است [illegible]

الغناء [illegible]
[illegible]
[illegible] در شریعت
است [illegible]

ملوات الله [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] پدر و مادر [illegible] اولاد [illegible]

[illegible] باشد [illegible] و [illegible] و اگر [illegible] با [illegible]

[illegible] نکاح [illegible] اولاد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نوشته را با وحرام کرده [illegible] شصت و دوم [illegible] خلق [illegible] است [illegible]

است که هر که صبر کند از برای خدا [illegible] خلق [illegible] حق تعالی ثواب شکر کننده [illegible]

فرماید و هر [illegible] که [illegible] با [illegible] و [illegible] چیزی [illegible]

قادر [illegible] حق تعالی هیچ [illegible] او را [illegible] فرماید و [illegible] از او [illegible]

[illegible] داشتن برادر مسلمان خود است [illegible] است که هر که [illegible]

خود را [illegible] صد و شصت و چهارم [illegible] کردن

[illegible] است [illegible] باشند [illegible] است که [illegible]

[illegible] باشد و [illegible] و [illegible]

ثواب [illegible] کرده [illegible] باشد [illegible] صد و شصت و پنجم [illegible]

[illegible] است که هر که [illegible] از خویشان خود [illegible]

[illegible] از برای او [illegible] صد [illegible] فرماید [illegible]

[illegible] شود و چهل هزار [illegible] و [illegible] و چهل [illegible] برای [illegible]

[illegible] باشد که [illegible] از برای خدا [illegible] صد و شصت و ششم حاجات [illegible]

[illegible] است که هر که از برای [illegible] حاجتی از حوائج دنیا [illegible]

با از برای [illegible] حاجت [illegible] تا آن حاجت [illegible] حق تعالی [illegible]

از آتش جهنم [illegible] و هفتاد حاجت دنیای او را [illegible]

رحمت الهی [illegible] صد و شصت و هفتم [illegible] است [illegible]

کننده [illegible] در حدیث است که هر که [illegible] و [illegible] و [illegible] کننده [illegible]

[illegible] حق تعالی او را با حضرت ابراهیم خلیل [illegible] تا آنکه بر صراط بگذرد [illegible]

[illegible] صد و شصت و هشتم [illegible] کردن [illegible] است از [illegible] در حدیث است که

هر که [illegible] از [illegible] کردن [illegible] باشد [illegible] او حق تعالی

در [illegible] او را از آتش [illegible] صد و شصت و [illegible] کردن

[illegible]

[illegible]

آن [illegible] است

منع کردن آب [illegible] است از [illegible] — [illegible] است

[illegible] مرحلی است — [illegible] عربیان

[illegible] عربیان است — [illegible] است

[illegible] با اهل [illegible] کننده کان [illegible] است — [illegible]

[illegible] است — [illegible] خداوند عالمیان است

اعتراض کردن بر [illegible] خداوند عالم است — [illegible] کردن

است

با زن اجنبی است در حدیث است که هر که مصافحه کند با زنی که بر وی حرام باشد خدا از او خشمناک
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ایمان [illegible]
ایمان [illegible] باشد [illegible]
[illegible] ماه [illegible]
[illegible]
[illegible] زکوة [illegible]
[illegible] حضرت صاحب الامر [illegible]
[illegible] زکوة [illegible]
[illegible] از حضرت امام محمد باقر [illegible]
[illegible] مسجد [illegible]
[illegible] از مسجد [illegible]
از حضرت امام جعفر صادق [illegible] زکوة [illegible]
[illegible] زکوة [illegible]
[illegible] زکوة [illegible]
[illegible] زکوة [illegible]
زکوة [illegible] از حضرت امام محمد باقر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] زکوة [illegible]
[illegible] زکوة نداده باشد [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

زکوة [illegible] واجب است [illegible]
زکوة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امام [illegible]
[illegible]
[illegible]
امام جعفر صادق [illegible]
[illegible]
[illegible]
امام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible] مسلمان [illegible]
[illegible] السلام [illegible]
[illegible] امام رضا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] علیهم السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ماه مبارک رمضان [illegible]
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق [illegible]
ماه رمضان [illegible]
[illegible] از حضرت امام محمد باقر [illegible]
[illegible] ماه رمضان [illegible]
[illegible] ماه رمضان [illegible]

[illegible]

[illegible] امام واجب است [illegible]
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق [illegible]
رمضان [illegible] امام [illegible]
امام [illegible]
[illegible] ماه رمضان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

از کسانی خواهد بود که حق تعالی [illegible]

[illegible]

و در حدیث دیگر است از ابی بصیر که پرسید از آنحضرت امام جعفر صادق [illegible]

[illegible] فی هذه الدنیا و فی الآخرة [illegible]

[illegible] الاسلام [illegible]

و در حدیث دیگر است [illegible]

[illegible]

و در حدیث دیگر است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این سلوک از عذاب خدا است

امانت کردن ... است در ظالمان ... ظلم ایشان ...

است از حضرت امام جعفر صادق ع که حضرت عیسی با بنی اسرائیل میگفت ...

[illegible]

[illegible] که شخص اجتناب از جمیع این مباحات و مستحبات و طاعات بکند که بنا [illegible]

[illegible] ارتکاب [illegible]

[illegible] جهات باشد [illegible]

ارتکاب [illegible] ارتکاب مباحات یا مستحبات و طاعات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اجتناب کردن [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible]

و در حدیث دیگر است که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که امانتها را بصاحبانش برسانید اگرچه کشنده فرزندان پیغمبران باشند و حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود که بحق خداوندی که محمد را براستی فرستاده اگر کشنده پدرم امام حسین شمشیری که پدرم را بآن کشته باشد نزد من بامانت گذارد البته باو برسانم و حضرت صادق ع فرمود که بپرهیزید و بترسید از خدا و بر شما باد بادای امانت بآنکسی که بشما سپرده است اگر کشنده امیر المؤمنین امانتی بمن سپارد البته باو برسانم امانت او را و در حدیث دیگر است که فرمودند که مرا از کسی که ضربت بر امیر المؤمنین زد و آنحضرت را شهید کرد اگر امانتی بمن بسپارد و طلب نماید از من البته بدهم و در حدیث معتبر دیگر است که شخصی بخدمت آنحضرت عرض نمود که بعضی از شیعیان شما هستند که حلال میدانند اموال بنی امیه و دشمنان شما را و کسیکه از بنی امیه ودیعه باو سپرده ابا حلال است که او را تصرف کند فرمود که امانتها را بصاحبانش برسانید اگرچه گبر باشند بدرستیکه قائم ما علیه السلام ظاهر شود حلال کند و حرام کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که امانتی نزد او باشد بصاحبش رد نماید و بدانکه امانت بدرستیکه امانتی که بکسی سپارند و ایشان را بر آن مسلط گردانیده از اموال خود ... و در حدیث دیگر است که رسول خدا صلعم فرمود که نیست از ما کسی که خیانت کند در امانت و فرمود که امانت را بصاحبش برسانید تا بعثت روزی شما شود و خیانت کردن در امانت باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث معتبر دیگر است که عبد الرحمن بن سیابه میگوید که چون پدرم سیابه فوت شد شخصی از دوستان او آمد و مرا تعزیه گفت و پرسید که آیا از پدرت چیزی مانده است گفتم نه پس کیسه پول داد که هزار درهم داشت و گفت این را بگیر ... و حسن معاش خود ...

کن پس بخدمت آنحضرت رفتم و چون وارد شدم داخل ... مردی که جعفر بن محمد بود ... درهم را گرفتم ... و تجارت میکردم ... بسیاری منفعت بردم تا آنکه ... پس آن درهم را نقد کردم و بردم ... و گفتم ... بر من حلال است ... و حضرت امام جعفر صادق ع ... و در صف نعال نشستم ... سلام کردم و حضرت جواب فرمود ... گفتم ... آنحضرت فرمود که ... امانت را بصاحبش ادا کن ... و در اموال ایشان شریک میشوی ... بر تو باد بادای امانت ... امانتی که بتو سپرده باشند ... و خیانت کردن در اموال ایشان ... اما امانتهای مردم ... و نفقه ...

و در بیان خیانت در اموال است خیانت در عرف ... و امانتهای مردم ... خیانت کردن در اموال ... و غصب کردن اموال خلق ...

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

در حدیث دیگر است از حضرت امام حسن عسکری که فرمود ... ابو هاشم ...
ای ابو هاشم زود باشد که زمانی بیاید که رویهای ایشان خندان و شکفته باشد و دلهای ایشان سیاه و تیره باشد سنت در میان ایشان بدعت باشد و بدعت در میان ایشان سنت باشد مومن در میان ایشان خوار باشد و فاسق در میان ایشان عزیز و صاحب اعتبار باشد امیران ایشان جاهل و ستمکار باشند و علمای ایشان بر درهای ظالمان بروند ... توانگران ایشان ... و درویشان را ... ایشان ...
... دوری باشد ... در درویشی ... و اهل ...
... اعتقاد ...
را از ... و درویشی را ...
صالح ... علمای ایشان بدترین خلق خدا باشند ...
... کنند ...
... و ... باطل باشند ... دوستی مخالفان ما و گمراه کنند شیعیان و دوستان ما باشند ...
... کافر ... شوند ...
... عبادت کنند ... ایشان راه ...
...
... امام ... ای ابو هاشم ... حدیث ...
...

... این است که ...
...
...
...
این است که ...
این طایفه ... این است که ...
...
...
...
...
...
...
...
...
... عالم ...
...
باصاحب شریعت ...

[illegible]

[illegible] حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق [illegible]

[illegible] حدیث دیگر است از حضرت امام [illegible]

[illegible] امیر المؤمنین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible] است [illegible]

هجرت کردن [illegible] اعراب [illegible] احکام [illegible]

[illegible]

قدری از آنها ذکر شده است و در بعضی [illegible] و قدری از آنها [illegible]

در قواعد [illegible] و اخوند ملا محمد باقر مجلسی رحمه و اخوند ملا محسن رحمه [illegible]

لکن اکثر آنچه ذکر کرده [illegible]

[illegible] و بعضی [illegible] و لکن [illegible]

[illegible] بعضی از آنها [illegible]

[illegible] چنانکه گذشت [illegible]

[illegible]

[illegible] حرام است مخالفت کردن آنها [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

با آنکه سب مؤمنان صحابه مثل سلمان باشد او یا ابو ذر را بکند ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... در حدیث صحیح ... [illegible]

... سوال نمود ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

والمؤمنین [illegible] راست باشد و اینکه بگوید در حق سید [illegible] و چه سلف مطابق واقع باشند [illegible]

[illegible] اخبار بسیاری [illegible] دلالت میکند و آنچه در حدیث است از حضرت امام جعفر صادق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هو الموفق والمعین

فصل [illegible]

[illegible]

هو الموفق والمعین

[illegible]

هو الموفق والمعین

[illegible] و معدن در طعام و ادب و [illegible] است و در حدیث است از [illegible] طعام [illegible]

از آنها و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق [illegible]

طعام و در [illegible] و در حدیث دیگر است [illegible] طعام [illegible]

رسول خدا [illegible] طعام [illegible]

طعام [illegible] است و در حدیث دیگر است از حضرت امام رضا [illegible] طعام [illegible]

[illegible] و در حدیث دیگر است [illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible]

[illegible]

هو الموفق والمعین

[illegible]

میباید کرد و در حدیث دیگر است که از پیغمبر ... [illegible]

بگوش ایشان ... و در حدیث صحیح ... [illegible]

[illegible]

شستم

بچارپایان

چارپایان ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

جنابت

جنابت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

در حق همسایه‌ها است در حدیث است که [illegible]

[illegible]

هو الموفق والمعین و به ثقتی و کفی

[illegible]

عقد ششم از مقصد دوم [illegible]

[illegible]

سی و هفتم [illegible] کردن [illegible] است [illegible]

[illegible] حاجب [illegible]

در [illegible] [illegible]

است [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] اسراف [illegible] باده [illegible]

سی و [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] است

[illegible] است [illegible] کرده است [illegible]

[illegible] است [illegible]

است [illegible] کرده است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] کرده است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

هو الموفق والمعین

و بدان زنا محقق میشود ...

آنها هست نه زاید مادر و خواهر و دختر صلبی و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر

و مثل زنای با هر یک از اینها است زنای با جده مادری و پدری و زن پسر ...

دختر ... بوده باشند ... پایین بروند ... دختر برادر و دختر خواهر تا هر

جا پایین بروند و عمه پدر و مادر و جده و خاله ایشان ...

مطلقا ... باشند بلکه ... از اوقات ... که محرم باشند و صحیح باشد

نکاح اینها و زنای با ایشان ... داخل در زنای محارم نیست ...

عمه مادری تنها بوده باشند یا خاله ... پدری تنها ... مادری تنها بوده باشند

اول و پدری تنها در زنای ... حرام و نکاح اینها حلال است و زنای با ایشان ...

محارم ... است و زنای با ایشان زنای

محارم است ...

زنای با اینها داخل در زنای محارم نیست ...

هو الموفق والمعین

که اراجب ... از آن ... کسی را که ... شیر داده ...

... زنا کرده ...

... شیر داده است ...

... صاحب شیر ...

... زن را که ... شیر داده است ...

دوم متفق بودن جمیع شهود اند در فعل و زمان و مکان و صفت پس هرگاه ... شهادت ...

[illegible]

... شهادت ... شهود ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بیشتر ایشان ... در [illegible] جامع و ... زنان ...
خانه خالی [illegible] نامحرم بودن ... نظر ... اجنبی کردن ... مشغول شدن
... زنان ... دست بازی ... کردن با زنان ...
... دختر ... کلی ... جماع کردن ...
... زنا ... حرام ...

[illegible]

انکه از علما و صلحا و سادات و متدینین بوده باشد بار بس ... و دیگر چنین است نخواهد نظر بکند بعضی
مردان که شنیدن به حرف نخواهد کرد خداوند عالم جمیع اعمال نیک او را ... است ... ابتدا
... خداوند بر زینت کسی که شوهردار بوده باشد و پر کند چشم خود را از نظر حرام ... دوزخ
پس بعد ... این زن ... چنین بکند ... خواهد کرد خداوند عالم جمیع اعمال نیکی را که کرده است
... خداوند عالم ... است که ...
نظر کردن ... بصورت ... نخواهد ...
... جایز است نظر کردن ...
باشد از ... چشم و بینی و دهن ... جایز است نظر
کردن به ... از سر انگشتان تا مفصل زند ... باشد ...
... و لکن ... است ... تزویج ان زن را داشته
باشد ... نخواهد بود ...
... حرام است ... تزویج بکند ... حرام نخواهد بود ... نظر کردن
و هم چنین شرط است ... اجابت ...
حرام است ... نظر کردن ... و هم چنین شرط ... نظر ... تزویج ... بوده باشد
نظر باعث تزویج بوده باشد ... شرط است که نظر ... حاصل ...
از نظر ... باشد حال ان زن را ... حرام است ... نظر کردن ... و هم چنین شرط است ...
نکند ... نخواهد ...
... حرام ...
... جایز است ... صورت ...
...
...
باشد نخواهد از راه ... باشد یا از راه ... هر کدام که شده باشد

[illegible]

جایز است نگاه کردن هر یک به دیگری ما دامیکه تلذذ و ریبه نباشد در میان و فرقی نیست در منظور در میان
وجه و بدن ... باقی ماند کلام در وجه و بدن ...
از انها ... نظر بکنند بصورت و بدن ... و صورت زن نامحرم
نگاه بکند با اینکه ... تلذذ ... است پس حرام است نظر کردن
ما بقی و اگر ثانی است پس این محل خلاف است و لکن اجتناب نکردن اظهر است و احتیاط کردن بجای
موقع است از جهات چند ... نگاه کنند زن باشد پس ...
ان حکم ... است و لکن ... احتیاط کردن ...
مخصوص ... با اینکه ... اجتناب خالی از ... نیست ...
... که نظر ... از قصد ... ضرورت بوده باشد ... باشد جایز ...
... بوده باشد ... است و لکن واجب است ...
نظر ... دفعه ... در نظر کردن پس جایز است ...
... نامحرم ... نظر کردن ... بوده باشد سهل است ...
... نظر کردن ... پس هر گاه ... نظر کردن لازم شود از برای معالجه یا
از برای فصد کردن یا از برای حجامت کردن یا از برای معامله کردن یا از برای متحمل شدن شهادت یا
بیرون اوردن ... یا از اتش ... پس واجب است ... نظر
کردن و هم چنین است ... حاجت شود ...
اعضای ... محتاج می شود ... کردن ...
... پس جایز است ... نظر کردن ... که واجب شود ...
گذشت ... باشد ... بوده ...
پس در این صورت نظر کردن ... نظر کردن زن بتمام بدن زن دیگری جایز است
بدون ... منظور ... صورت جایز باشد ... در میان ...
شاب باشد یا غیر شاب حسن الصورت بوده باشد یا قبیح ... بوده باشد و لکن ... شروط

است

است با اینکه نظر کردن از روی ریبه نباشد و هم چنین ... فرقی نیست ... در میان انکه هر یک
... سلطان ... بوده باشند ... باشد ... مشهور و لکن ...
... عامه ... است ... زن ... نظر ... بکنند ... زن ...
است نظر ... ضعیف است ... زن ...
... نظر است ...
... باشد ... اهل اسلام ... اهل اسلام از هر کدام که باشد ...
...
...
... نظر کردن ...
نظر کردن ...
...
... حرام است
...
... واجب است ... علامه اعلی الله مقامه
... نظر کردن ... حکم نظر کردن ... شهوت ...
گذشته ... جایز است نظر کردن ... حرام نیست ... جایز است ... نظر کردن ...
... لازم نخواهد ... باشد ...
... اجتناب ... واجب ...
و هم ... نظر ...
...
...
جمیع ... نظر کردن ...

جالونی را لیقی

[illegible]

چیزی میباشد که بعض تابع حکم کل و شنیدن صدای زن ... خلاف است که حرام است باعث [illegible]

بوستان شده اند و بعضی تفصیل داده اند که حرمت آن در وقتی است که تلذذ و خوف فتنه

بهم برسد از آن و حرام همچنانکه بهم برسد حرام نیست و این خالی از وقت نیست و لکن احتیاط در آن

[illegible]

و معلوم شد از آنچه گذشت احکام حلال و حرام عمری ندارد تا آنکه بیابید بر آنها فتحی بکنید الا.

۱۳۲۴